

برنج از زبان برنج

« شناخت و ضرورت برنامه ریزی جامع »

(علمی - اجتماعی - تحلیلی)

عبدالرحمن عرفانی^۱ - قربانعلی نعمت زاده^۲ - منصور بهرامی^۳

چکیده:

برنج پس از گندم بعنوان مهمترین محصول استراتژیک کشور از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است، عمده سطح زیر کشت و تولید این محصول در جهان مربوط به قاره آسیاست نظر به ضرورت برنامه ریزی در امر تولید برنج در این مقاله سعی شده است موضوعات مختلف و مسایل و مشکلات برنج از زبان برنج، مورد نقد و بررسی قرار گیرد البته هرگز سعی نشده است کسی و یا گروهی مورد انتقاد قرار گیرد. بلکه تمام مساعی، بر این بود که اهمیت برنامه ریزی جامع را با شناخت و مطالعه دقیق بیان نماید، به علاوه چون این مقاله از زبان برنج عنوان شد. لذا با مسایل عاطفی و اشعاری بسته به موضوع در آمیخت. نتایج این بررسی نشان می دهد هر چند بسیاری از راهکارهای ارائه شده مطلوب بوده لکن در مرحله اجراء با مشکلاتی عدیده روبرو بوده است از مهمترین معضلات برنج می توان به عدم شناخت همه جانبه مسایل و مشکلات آن، واردات بی رویه و عدم ارایه برنامه های اصولی از جمله عدم ارایه "طرح محوری" را اشاره کرد. که در نهایت ضرورت برنامه ریزی جامع را آشکار می سازد.

^۱ عضو هیئت علمی معاونت مؤسسه تحقیقات برنج کشور در مازندران

^۲ عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه مازندران

^۳ عضو هیئت علمی معاونت مؤسسه تحقیقات برنج کشور در مازندران

بنام خدا، خداوند گنج^۱ خدای خرد، خداوند رنج

هم او را سپاس نام من چه نیکو نهاده برنج

من که ام؟ سابقه حیات من و خانواده ام به هزارها سال می رسد شاید در بدو امر، مرا نشناخته و به خاطر نیاورید اما خانواده ام را همگان می شناسند. من و خانواده ام در طی شبانه روز در سه موقع اساسی از گذر حیات شما که قوت شماست بر شما سلام می کنیم و برای شما سلامتی به ارمغان می آوریم. از این رو خانواده ام سلام است. بگو خانواده ام کیست؟ و من که ام؟ من از همان خانواده ام که حضرت رسول (ص) در موردش فرمود: آنرا گرامی بدارید بدرستی که برای تهیه اش آنچه تحت عرش است دست اندر کارند. آری برای رشد و تکامل من نیز از ثریا مشغولند. ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند توانی به کف آری و به غفلت نخوری از همان خانواده ام که گویند هر که او را می کارد بذر دوستی می افشاند. قداست خانواده ام در گذشته در نزد مردمان کهن، آنقدر بود که ما را رب النوع می نامیدند، به گونه ای که اگر بلایی حادث می شد انسانها به خدایان مایناه می آوردند و می گفتند خدایان بر ما خشم گرفتند. بگو من که ام؟ آری، من از همان خانواده ام که گفتند تا او هست عشق است^۲. آری نماد عشق منم، تا جایی که عشق میان انسانها را به قامت رعناي من تشبیه می کنند^۳. اگر قدری به اطراف بنگرید تصدیق خواهید کرد که من نماد خوشبختی ام، مگر نیم؟ پس چرا مرا بر سر زوج های جوانی که تازه به خانه بخت می روند می ریزند؟ پس باور دارید که من نماد خوشبختی ام؟ قداست من آنقدر بود که مرسوم بود در گذشته کسی در تاریکی دست به من نبرد؟

^۱ حدیث قدسی - انا کنز مخفی احببت لکم ان اعرف (من گنج پنهان بودم دوست داشتم مرا بشناسید).

^۲ خلیل السون عشق السون (تا غله است عشق است).

^۳ عشق، گیاه برنج جوانی است تا نشاء نشود نخواهد شکفت.

چون اگر چنین کردی روح شریری مرسوم به مونو (شیخ) را به خود جلب خواهید کرد حتی ممکن است روح شریر را فرو بلیعه و خود را دچار بدبختی کنند! من در بعضی از کشورها مانند کره، به عنوان (الهه ی خانگی مورد پرستش ام) ^۱ بگو من که ام؟

آری من با حضور جسمانی و روحانی خود واژگان، زندگی روزه مره، ادبیات، هنرها و حتی معتقدات مردمان جهان، بخصوص آسیا را تحت تاثیر قرار داده ام! نمونه های این اثر شامل مفهوم ریشه دار، روح من جشن موسوم به پونگال (Pongal) در میان تاملیها سیستم کالاپانا (Kalapana) در تایلند و پاکستان و جشن آزولا (Azolla) در ویتنام است.

تاثیرات من بر تمدنهای چین و کشورهای آسیای جنوب شرقی بر کسی پوشیده نیست، من حتی در شکل و شمایل آدمیان تاثیر وافر داشته و دارم.

تا جایی که در تاریخ آمده است که چهره های سربازان شمالی در جنگ ها به خاطر روح من از دیگر سربازان متفاوت و قابل شناسایی بود. (۱)

آری من گوشت و پوست و خون و حتی رفتار و کردار شمایم! حتی بر نوع نگرش شما اثر وافر دارم، (۲) خصلتهای نیکو در از من کهن به من و نژاد من مورد قیاس قرار گرفته است تا جایی که آدمیان، مرا الگویی برای رفتار و کردار خویش قرار می داده اند. روح من لطافت و ظرافت و سازگاری خاصی دارد بگونه ای که من یکی از سازگارترین اعضاء قلمرو گاهی هستم!

آری صداقت در رفتار و کردار را به من نسبت می دادند و تا جایی که گفته می شد.

”بیانید مثل او با شیم، و هریک از ما آنچه را که در دل دارد بیان کند!

جالب است بدانید در گذشته مرا آنچنان مقدس می داشتند که زمین، نیروی کار و کالا را برای من وقف می نمودند، این فرهنگ (فرهنگ موسوم به کالاپانا در تایلند) آنچنان

^۱ آقا و سالار خانه، نوشته لی کوانگ گیو (رجوع به منبع ۴)

قویم بود که منجر به گسترش من گردید تا جایی که شهری بر من بنا شده است. (۴). بهتر است بدانید علمای طب را نیز عقیده بر آن بود که من بدن آدمیان را قوی می گردانم و بدان نیرو می بخشم و آنرا استوار می سازم.

آری صفات انسانی روح من کانون آئین نامه های پیچیده و تشریفاتی دامنه دار با محتوای عاطفی بود که از ابتدا تا انتهای دوره حیات من تقریباً به پرستش و تقدیسی کیش مآبانه منجر شد. همه این آئین نامه ها بمنظور نیاز ازلی برای خرمی پرجهت حفظ و صیانت جامعه در برابر قحطی و گرسنگی برگزار می شده است!

همچنین از ارواح درخواست واستغاثه می شد که با من باقی بمانند و تجسد خویش و یا جامعه را رها نکنند!

جالب است بدانید که در بعضی از کشورها، من معیاری برای سنجش زمان و مکان بودم به گونه ای که مرا بصورت نشانه و میزانی برای بیان رابطه خویش با زمان و مکان استفاده می کردند.

در سیستمهای سنتی اندازه گیری زمان، واحد اصلی عبارت بود از مدت زمانی که پختن من به طول می انجامید (۳) (ایندرای ماهاماسا- باری) (۴). که این کار بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه طول می کشید.

سربازان شمالی بواسطه مصرف زیاد برنج دارای چهره های سرخ و گلگونه بودند. گفته می شود نوشتار نویسندگانی که برنج مصرف می کنند از لطافت و ظرافت بیشتری برخوردار است نسبت به آنانی که گندم مصرف می کنند.

۳- معیاری برای سنجش زمان و مکان، نوشته رافارالاهی بما نانجارا (رجوع به منبع ۴)

فاصله دو نقطه نیز مثلاً به دو یا سه برابر مدت زمان لازم برای پختن من توصیف می شد! براین اساس فاصله میان بابل و آمل برابر یک پختن من و فاصله بابل ساری برابر ۲ پختن من خواهد بود:

به علاوه بهتر است بدانید دوره تکامل حیات من تقویم روستائیان بود.

البته آلان هم می توانید از آن استفاده کنید با این شرح که :

آنگاه که متولد شوم "بهار" است
آنگاه که رشد و تکامل یابم، "تابستان" است.
آنگاه که عمرم به افول گراید "پائیز" است.
آنگاه که سر بر تیره خاک نهم "زمستان" است.
آری حیات من، برخاسته از روح من است .

من حکایت ها دارم، حکایت من شرح دل است! در این شرح آمده است، احساسات و عواطف عوالم گیاهی بس دقیق و باریک است لکن تاکنون کس نتوانسته است به آن دست یافته و به راز آن پی بردم هرچند جماعتی توانستند با آلات موسیقی از طریق امواج خود را به ما نزدیک و به وجود احساسات در ما پی ببرند. لکن هنوز کسی نتوانست آن گونه با ما سخن گوید.

چراکه زبان ما از سنخ دیگر و زبان شما از سنخی دیگر است، لذا اول طریق مرادوات ما با شما فقط از راه آثار و علائم چهره ما بر شما امکان پذیر بود. و هنوز یکی از بهترین راه مرادوات عوالم ما با شماست . پاره ای از علائم و آثار که اول طریق و یکی از ابتدائی ترین شیوه های ارتباطات بین عوالم ما و عوالم انسانی است عبارتند از: خم ابروان ، آرتروز گردن، لکه های صورت، پیچش پا، خمودی تن، شکستن مفاصل، کوتولگی، زردی گونه ها و تهی شدن مغز و صدها علائم ظاهری دیگر همه و همه نه تنها به عنوان یکی از ابتدائی ترین شیوه ارتباطات بین عوالم ما و شماست. بلکه این شیوه ارتباط در همه عوالم به عنوان ابتدائی ترین شیوه ارتباطات محسوب می شود. اما به مرور با پیشرفت هایی که در عوالم شما صورت گرفت جماعتی با موشکافی و ریز بینی خود را با عوالم ما نزدیک ساختند تا جایی که ژنهای مرا شناسایی کردند. و تصاویر زیبا از آن تهیه و در معرض دید عموم گذاشتند. اما هنوز آنگونه نتوانستند زمینه مکالمه مرا با شما فراهم سازند. علت آن این است که فرکانس های قابل ادراک در عوالم شما با عوالم ما متفاوت است . همانگونه که اگر چنانچه فرکانس پیمای از عوالم خودتان تغییر یابد قابل ادراک آن نیستند، عدم ادراک فرکانس های ما نیز چنین است.

اما چون دیدم شما به این زودی نخواهید توانست با من مستقیماً مکالمه کنید از اینرو مصائب بر من سخت آمد این بود که تصمیم گرفتم من خودم فرکانس روح خود را با شما نزدیک سازم تا مشکلات خویش را بر شما عرضه دارم. اما نصیحت من به شما و همه انسانها این است: درک عوالم ما که عوالم گیاهان و نباتات است بالاتر از ادراکات عوالم جمادات و پایین تر از عوالم حیوانات قرار دارد. از این رو شماها مسایل و مشکلات، شادیهها و نگرانیهای عوالم حیوانات را که به شما نزدیکترند را بهتر ادراک می کنید زیرا شباهت های زیادی بین شما و عوالم حیوانات وجود دارد. تا جایی که شماها را "حیوان ناطق" گفته اند!

اما اگر می خواهید با ما مکالمه کنید و به احساسات لطیف و عمیق ما که نشات گرفته از روح ماست پی ببرید. باید فرکانس های قابل جریان در عوالم ما را به فرکانس های قابل ادراک در عوالم انسانی خودتان تبدیل کنید تا موفق به ایجاد ارتباط مطلوب با ما بشوید. به امید آروز می توانید به آدرس زیر تماس بگیرید...

آری من فقط خواستم احساسات و عواطف ارواح عوالم گیاهی را به عواطف و احساسات عوالم انسانی شما نزدیک ساخته، در آمیزم. تا بدانید که من نیز احساس دارم. چون زنده ام و حیات بدون احساس مرگ است. از این رو خواستم شما را آگاه گردانم که جریحه دار شدن احساسات و عواطف من خسارتی بس جبران ناپذیر بر عوالم انسانی شما بر جای خواهد گذاشت، لکن دمامد بدان مبتلا و از آن بی خبرید.

و بدانید که من نه فقط بر اسطوره ها و رسوم و فرهنگ های گذشته تاثیر گذاشتم بلکه پیامدهای اجتماعی اقتصادی ناشی از احساسات من در زمان حال را هرگز از یاد نبرید.

همانگونه که شکستن قداست و جریحه دار کردن احساسات و عواطف در عوالم انسانی شما چقدر سخت و نفرت انگیز است. شکستن قداست و جریحه دار کردن احساسات ما در عوالم گیاهان نیز چنین است.

نمونه تلخ بازتاب جریحه دار کردن احساسات و شکستن قداست ها و ارج نهادن جایگاههای عوالم گیاهی بر احساسات عوالم انسانی را در غرقه به خون شدن زنان و

مردان روستایی، پس از جریحه دار شدن احساسات من توسط بلاهای طبیعی چون خشکی و بی آبی و سیل و ... و بلاهای انسانی چون واردات بی رویه در سالهای اخیر شاهد بودید و خوب به خاطر می آورید که چه اثرات سوئی بر عوالم شما بر جای گذاشت !! که نشانه ارتباط نزدیک احساسات ما با شماست !

تاتوانی دلی بدست آر
دل شکستن هنر نمی باشد

از اینرو بر "عارف" تکلیف نمودم با علم به روح احساسات و عواطف من ، گوشه هایی از مسایل و مشکلات و درد دلهای مرا همراه با بهترین سلام ها به محضر همه دوستان برساند. تا هم او ضمن پیام رسانی، وفای به عهد نموده و به وظایف و رسالت قانونی و انسانی خویش عمل نماید. لذا شما سروران عزیز "عارف" را معذور دارید که او ماموری بیش نیست!

بی شک این ابلاغ جهت انجام رسالت ایشان تا عمل به دستورات صادر شده است و ارزش قانونی دیگری ندارد!
حال بشنوید اصل حکایت را^۱:

کلیات:

نام من برنج است ولی به رنج حاصل شوم از قدیم گفته اند هر چه به رنج حاصل شود ارزشی افزون دارد. گفته می شود. موطن اصلی من آسیای جنوب شرقی و کشورهای هندوچین است و سوابق اقوام و اجداد من در آنجا به ۷۰۰۰ سال می رسد (۱) بعضی از علماء روی تاریخ خلقت من و برادرم گندم اختلاف کرده اند ولی من خودم اعتقاد دارم گندم از من بزرگتر است، یک دلیل احتمالی این است که حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام بواسطه دست زدن به بوته گندم از بهشت به روی زمین هبوط کرد. و دلیل دیگر اینکه آیات و روایات مربوط به سوابق کشت گندم در قرآن به زمانهای بسیار دور اشاره دارد حال از این مسئله بگذریم ، بهر حال من نیز بواسطه

^۱ رجوع به ضمائم (حکایت برنج و مأموریت عارف)

دست زدن نماینده امپراطوری چین یا ایران که گفته می‌شود در زمان هخامنشیان یا ساسانیان آباء و اجداد مرا بدینجا آورد فرود آمدم این بود که در این سرزمین (ایران) سکنی گزیدم.

رنگ‌های مختلف مردم از گوشه و کنار جهان مرا به نام‌های خاصی صدا می‌زنند مازنی به بوته یا میوه من بینج و به میوه پخته شده و آماده من پلا، و گیلک به "بج" و خارجی‌ها به من پدی رایس (Rice Paddy) و بعضی‌ها هم واری یا واره می‌گویند همچنین نام من از زبان هندی گرفته شده که به آن Arisi می‌گویند... (۱ و ۴)

بگذریم مرا هر چه صدا می‌زنند همانم که آنان دوست دارند از دم زرد و دم سیاه و طارم و غریب و ... و همه گرفته تا هزارها شماره که محققین، بر ما می‌نهند همگی از یک قماش هستیم. چون آنها مرا دوست دارند من هم دوستدار آنانم، رنگ میوه من هر چند زرد طلایی و رنگ‌های متفاوت دیگر است لکن قلب من سفید و نورانی است که اشاره به صفای قلب من دارد. چون قلب روستا...

آری تقدیر چنین بود که لطف ذات ازلی کدورت‌ها را از من و خانواده‌ام دور دارد.

گفته می‌شود پس از برادرم گندم، من مهمترین محصول استراتژیک روی زمین و قوت عمده بیش از نیمی از مردم جهان و تأمین کننده بیش از ۲۰ درصد کالری مورد نیاز انسانها هستم. بی‌گونه‌ای که در جهان با جمعیتی معادل ۵۵۰ میلیون نفر (تن) سطحی معادل ۱۵۰ میلیون هکتار را اشغال کردیم. که ۹۰ درصد از جمعیت مادر قاره آسیا مورد استفاده قرار می‌گیرد (۲). نمی‌دانم با همه اوصافی که از این القاب نصیب من می‌شود چرا اینقدر بر سرم می‌زنند؟ ای کاش استراتژیک نبودم (چون پسته و زعفران) فراموش کردم بگویم، مرا به انواع و اقسام طلاها نیز لقب دادند طلای زرد نامیدند، طلای قرمز و سفید و سبز همه از القاب من بود. ای کاش طلا نبودم.

مرحمت فرموده ما را مس کنید

از طلا گشتن پشیمان گشته‌ام

۱- برنج رنج دارد لذا ذکات بر آن تعلق نمی گیرد (تحریر الوسیله حضرت امام (ره))
۲- جالب است بدانید که در کمتر از سی سال دیگر جمعیت جهان از مرز ۸ میلیارد نفر خواهد گذشت پیش بینی می شود نیاز این جمعیت به برنج حدود ۹۰۰ میلیون تن باشد (Vergara, 1992) یعنی بیش از ۶۴٪ افزایش در تولید جهانی برنج نسبت به زمان حال و ۷۴٪ نسبت به زمان پیش بینی شده، که برنج تولیدی جهان در آن زمان (در سال ۱۹۹۲) برابر ۵۱۸ میلیون تن بود.

فرزندان من مورد تاخت و تاز محققان قرار می گیرند. تحقیقات زیادی برای افزایش بهداشت من از قدیم تا کنون صورت گرفته است تا جایی که در دهه ۱۹۶۰ میلادی برای اولین بار در جهان بواسطه اهمیت و نقش اینجانب، مؤسسه بین المللی تحقیقات برنج شکل گرفت در این مؤسسه محققان زیادی از سطوح مختلف برای افزایش بهداشت من، شبانه روزی مشغول تحقیق و تفحص بوده و هستند تا مرا از گزند آفات و امراض محفوظ دارند و از این رو توانسته اند رفتار و عملکرد مرا افزایش دهند پساره ای از محققان با بهداشت تغذیه و مناسب کردن بستر من توانسته اند موانع تولید مرا شناخته و از این طریق نیز توانسته اند تا حد زیادی از مرگ و میر فرزندانم کاسته و آنها را به سر منزل سلامت برسانند، مگر نه این است؟ ای کاش به ندای آنان لبیک نمی گفتم ۱۰۰
هر کسی از ظن خودش یار من
وز درون من نجست اسرار من

اما جماعتی دیگر با ظرافت خاصی متوجه باطنم شده اند گویا این دسته توانسته اند به شرح حال سربهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق برسند.

ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می گردانیم تا خدا و آیات حکمت و قیامت رسالتش همه ظاهر و آشکار شود و در آفاق و انفس سیر کنند و مراد در آفاق بیابند و متوجه ظرافت های من کردند نمی دانم،
بهر حال با مباحثی مثل

ژنها و جایگاههای ژنهای من و خواص آنها توانستند پتانسیل ذاتی مرا با مهندس ژنتیک بررسی کنند و به قولی به راز ژن درمانی پی ببرند. بر این اساس این گروه نیز به پاره ای از خواص من دست

یافته‌اند و از این طریق توانسته‌اند بهداشت مراد در هوا و زمین افزایش داده و مرا از گزند بلیات مصو و محفوظ دارند. حتی گروهی آنگونه پیش رفته‌اند که با دستگاههای پیشرفته مثل تفنگ الکترونی بر من ژنهایی شلیک می‌کنند تا من خواص مطلوب آنها را در خود پیروانم و خواسته آنها را بر آورده کنم ولی نمی‌دانم آیا بعد از چندین نسل همان خواهم بود که بودم!!؟

و همان خواهم بود که ذات احدیت مرا با آن سرشته است؟ واقعاً نمی‌دانم بر سرم چه خواهد آمد؟

اما گروهی دیگر از طریق دستیابی به اثرات افزایشی نتاج موفق به ازدواج‌های هیبریدی شده‌اند تا محصول بیشتری از دست‌رنج من حاصل کنند در حالی که عقد ما در آسمانها بسته شده است؟

این دسته نیز شاید به خاطر ترس از بیماریهای تالاسمی و پرهیز از ازدواج‌های فامیلی در مناطق مدیترانه‌ای مرا به چنین ازدواج‌هایی وادار کرده‌اند. مسئله‌ای نیست. راضیم به رضای خدا، و به او توکل می‌کنم که او مرا کافی است.

و من توکل علی‌الله فهو حسبہ (قرآن کریم) اما من نگران حال شمایم، ترسم برسید به روزی که آیه "والتنظر الانسان الی طعامه" را خودتفسیر کنید و آنگاه مجبور شوید مرا از نگاه دیگری ببینید اما هنوز اول کارم، من از تحقیقات در ایران نگفته‌ام. و نه از آنانی که مرا چون کودکان می‌پروراندند، هیچ نگفتم، چه بگویم؟ اما چون تکلیف است که واقعیات گفته شود و رنج حقیقت بردوشم سنگینی نکند می‌گویم. توجه تحقیقاتی به آباء و اجدادم در ایران به سالهای ۱۳۳۶ در لاهیجان و ۱۳۳۹ در ایستگاه بررسی برنج رشت و متعاقب آن در سال ۱۳۴۲ در ایستگاه بررسی برنج آمل بصرمی‌گردد. البته حقیقت آن است که اولین محقق، اولین زارعی است که رنج پروردینم را تحمل کرد. همانگونه که اولین زارع خداست. انتم ترز عونه ام نحن الزارعون؟

آیا شمائید که می‌رویانید یا این ما ئیم که می‌رویائیم؟

بهر حال اهداف اولیه این عزیزان ارائه نسلهای جدیدی از اجداد من با عملکرد بالا و بکارگیری

نیکهای نوین کاشت، داشت و برداشت بود با گسترش امر تحقیقات و لزوم انسجام بیشتر در این زمینه، در اواخر دهه ۱۳۶۰، شورای هماهنگی تشکیل و تصمیم به تأسیس مؤسسه‌ای، تحت عنوان مؤسسه تحقیقات برنج گرفت. از این رو این مؤسسه در سال ۱۳۷۲ تأسیس و در سال ۱۳۷۳ در گیلان و مازندران رسماً افتتاح و با اهداف گسترده تر از اهداف اولیه و تشکیلات سازمان یافته تر آغاز به کار کرد. که از آن جمله است:

- ۱- تهیه نتایج جدیدی از ارقام من با پتانسیل های بالا، مقاوم به آفات و امراض
 - ۲- استفاده بهینه از کودهای شیمیایی و افزایش راندمان مصرف آن
 - ۳- استفاده از کود سبز جهت افزایش بهره وری و حفاظت از محیط زیست و کشاورزی پایدار
 - ۴- کاهش مصرف سموم از طریق مبارزه شیمیایی جهت افزایش تولید فرآورده های جنبی
 - ۵- بررسی و شناخت عوامل مناسب جهت اجرای مکانیزاسیون در زمینه کاشت و برداشت به منظور کاهش صعوبت کاری
 - ۶- بررسی امکان علمی و عملی جهت کشت محصولات دیگر پس از برداشت برنج به منظور کشت دوم برای افزایش میزان بهره وری از زمین.
- آری این بود که در این سرزمین، این جماعت با اجماع افکار و سر و سامان دادن به آنچه بر من رفته است مؤسسه‌ای را بنا نهادند تا به توان
- و استعداد های ذاتی من دست یابند و از گزند آفات و امراض و به نوعی "کرب عظیم" محفوظم دارند.

من هم مردانگی می کنم و به ندای آنها پاسخ می دهم و زحمات آنها را قدر می نهم و علیرغم میل من به خواسته آنها جامعه عمل می پوشانم و به آنها بهره بیشتری می رسانم تا مردم بیشتری از من سود برند اما من اکنون خجالت زده از کرده خویش .. من به آب زیادی نیاز دارم، لذا به پای من آب زیادی می ریزند. هم زیستی میان من و آب نمادی از عشق و دوستی جاودان به شمار می آید تا جایی که آدمیان عشق و محبت میان خوشان

را بسان عشق من و آب تشبیه می کنند و می گویند دوستی و عشق میان شما بسان عشق آب و برنج باد!

در مزرعه همواره با هم و در خانه نیز جدا ناشدنی (۴) آری حیات من که برخاسته از روح من است چون روح آب است که اصل حیات است. آری عشق میان من و آب نشانه "جان حیات" است. مگر نشینیده ای که یگانه فرمود: و من الماء کل شیء حی.

این قرابت برای من بسی افتخار است با آب متولد می شوم با او نضج می یابم و با او می میرم.

حیات و ممات من سراسر در آب و با آب است که نشانه جاودانگی است!

من آفتاب هم زیاد دوست دارم، اما در جاهایی که شدت تشعشع خورشید هم کم است و آفتاب در پشت ابرها پنهان است از گرمی آن بهره مند شده و به صاحبان خویش امید می دهم. من امید همه ام. نا امیدم مکنید که دعا خسته دلان مستجاب باد. شرح حال مرا از من بشنوید، که سخن چون از دل برآید لاجرم بردل نشیند من در ایران از شمال و جنوب، از غرب و شرق خانه دارم. خانه من هر چند نمور و پر آب است لکن با گرمی دست های کشاورزان گرم می شود. چون این منم که آنها را سرپانگه می دارم همانگونه که آنها مرا سرپانگه می دارند من هم نمک می شناسم و زحمات آنان را قدر می نهم. آخه مروت هم خوب چیزی است که من بر ناز دست و دل آنها بزرگ شوم و آنها را شریف و گرامی ندارم آنان علاوه بر آنکه مرا از گزند آفات و امراض محفوظ می دارند بستر مرا از هرزه گریها و مزاحمت ها پاک می کنند تا من سالم و تن در دست به رشد و شکوفایی و کمال خود نایل شوم. هر چند ۱۰-۱۵ درصد خسارت به فرزندان و نتاج من توسط مزاحمت های دیگرانی چون گیاهان هرز حادث می شود که این مقدار حدود ۵۰-۷۵ میلیون تن در سطح جهانی است^۱ (۲۲، ۲۳، ۲۴) لیکن

^۱ درصد خسارت آفات و امراض و عملکرد محصولات زراعی در سال ۱۹۶۷ توسط کرامر بصورت زیر تخمین زده شد. درصد خسارت حشرات برابر ۳۴/۴٪، بیماری ها برابر ۹/۹٪، علف های هرز ۱۰/۸٪ یعنی جمعاً حدود ۵۵/۱٪ به عملکرد محصولات زراعی (قبل از برداشت) خسارت وارد می شود. ولی در سال ۱۹۸۳ (Ahrens et al, 1983) در صد خسارت آفات را در منطقه

کشاورزان عزیز نهایت زحمت خود را کشیده و پاهای مرا در طول رشد و تکامل من همواره از این دسته مزاحمت‌ها حفظ می‌کنند. آری اینان نه تنها بستر مرا حفظ می‌کنند بلکه دیگران را هم در مسائل زندگی به چنین کاری توصیه می‌کنند.

برزیگرونه بدیمه بینجه جار بینجه جاره وجین کرد نه خوارخوار
مره باز وتنه ای جان برار شه دکاشته وجین هاکن و خواردار
(علامه حسن زاده آملی)

ولی امروز من واقع شرمنده‌ام، شرمنده از آنانی که مرا چو کودک می‌پروراندند و چشم امیدشان به من است. من واقع شرمنده‌ام، شرمنده از آنانی که چون در مخزن و انبار را می‌گشایند چهره‌ای عبوس و غمگین می‌گیرند. جوانان به واسطه بی‌ارزشی من دیر سر و سامان می‌گیرند و مردان روستایی از خجالت در نزد زنان و فرزندان سر بلند نمی‌کنند، چون نمی‌توانند خواسته‌های آنان را عملی سازند. بر سر من چه‌ها که نرفت راستی فراموش کردم بگویم که چرا کم بها شدم، در حالی که در گذشته "الهه ثروت" را با خمیر من می‌آراندند.^۱ آری من برکت بودم!

همچنین در بعضی از کشورها این من بودم که واحد پول بشمار می‌آمدم (۴).^۱ به اینصورت که سکه‌ها را مانند قطعات پول نقره، تکه تکه می‌کردند و در داد و ستد از آن استفاده مینمودند هر قطعه بسته به وزن آن در مقایسه با وزن یک دانه من متکی بود (واری فیتوونتی) وزن هفت دانه من کوچکترین واحد پولی به شمار می‌رفت (این سنت تا اواخر قرن هجدهم در ماداگاسکار مرسوم بود) حتی حقوق ماموران دولتی با پرداخت برنج محاسبه می‌شده است. و کسی که از من برخوردار نبود فقیر و بی‌پول بود!

شرق و جنوب شرقی آسیا برابر ۲۳/۷٪ اعلام کردند. ولتسینگر و همکاران در سال ۱۹۸۷ (Litsinger et al, 1987) درصد خسارت آفات کرونیك را برابر ۱۸/۳٪ پتانسیل عملکرد در منطقه فیلیپین تخمین زدند. البته درصد خسارت به تفکیک نوع آفات و بیماری‌ها مشخص شده است که علاقمندان می‌توانند به منبع شماره ۲۳ رجوع کنند.

^۱ برنج در اسطوره افسانه‌ها، نوشته اویایاشی تارو (رجوع به منبع ۴)

آری در گذشته پول را با من محک می زدند و به قولی می گفتند ارزش اینقدر نقره چقدر است؟ مثلاً برابر ۱۰۰ دانه برنج!

ای برار امروز اوضاع همانند خیلی چیزها عوض شده است.! و امروز من خودم فکر می کنم بهای مرا تحقیقات و دست اندر کاران من و آنانی که سعی بلیغ نموده تا بهداشت مرا افزایش دهند پرداخت کرده اند شاید دلیل همین است مگر نه این است؟ چون اجداد من که سالیانی مورد استفاده گروه خاصی هستند ارزشی دو برابر من دارند ولی انصاف بدهید

من آنقدر هم بد نیستم که مرا نزد دست های پینه بسته مردان و زنان روستایی شرمنده کنید. من که مرغ روز نخوردم شنیده بودم دو سال پیش که مشکل این گونه ای برایم پیش آمد. همه وکیل و وکلا سر و صدا کردند و گفتند آقایان بیاید کاری بکنیم، آخه مردم این مرز و بوم لااقل هر چه باشد برگردن ما حقی دارند بیاید از دست رنج آنها مقدار مثلاً حدود ۲۵۰۰۰۰ تن بخریم و از آن طرف همین مقدار از واردات خارج بکاهیم تا از شرمندگی من نزد روستاییان بکاهند ولی نمی دانم چقدر موفق بوده اند. راستی شاید اطلاع دقیقی از میزان مصرف نداریم و یا شاید آمار دقیقی از تولید در کشور نداریم؟ یا آمارها همگونی ندارند. که نمی توانیم برنامه ریزی درستی از تولید و مصرف و در نتیجه از واردات داشته باشیم؟ مگر نه این است ما چرا در امر واردات این قدر انفعالی عمل می کنیم (جدول ۱ و ۲) نشان دهنده عدم ارائه اطلاعات متوازن است (۱۱)

جدول ۱: سطح کشت (برنج) اعلام شده توسط سازمان کشاورزی مازندران و اداره کل آمار و اطلاعات از

سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۷

ردیف	سال	سطح کشت (۱)	سطح کشت (۲)	تفاوت سطح کشت	توضیحات
۱	۱۳۶۰	۱۶۲۳۲۴	-	-	
۲	۱۳۶۱	۱۶۸۱۰۰	-	-	
۳	۱۳۶۲	۱۸۰۰۸۰	۱۶۳۳۶۴	۱۶۷۱۶	
۴	۱۳۶۳	۱۹۶۷۶۷	۱۷۹۳۳۹	۱۷۴۲۸	
۵	۱۳۶۴	۲۰۳۵۳۸	۲۰۳۵۳۸	۰	
۶	۱۳۶۵	۲۱۵۸۵۵	۱۸۶۶۱۵	۲۹۲۴۰	
۷	۱۳۶۶	۲۳۸۰۶۰	۲۰۴۱۱۷	۳۳۹۴۳	
۸	۱۳۶۷	۲۴۵۵۳۲	۱۸۷۶۶۲	۵۷۸۷۰	عدد ۱۶۵۹۲۷ هم توسط اداره کل آمار مطرح شد
۹	۱۳۶۸	۲۲۵۰۰۰	۱۹۹۴۳۶	۲۵۵۶۴	
۱۰	۱۳۶۹	۲۳۰۰۰۰	۲۰۱۳۹۸	۲۸۶۰۲	
۱۱	۱۳۷۰	۲۳۰۰۰۰	۲۲۲۳۸۶	۷۶۱۴	
۱۲	۱۳۷۱	۲۳۱۲۰۰	۲۱۸۷۵۰	۱۲۴۵۰	
۱۳	۱۳۷۲	۲۳۰۰۰۰	۲۱۸۱۵۸	۱۱۸۴۲	رقم ۱۸۴۰۳۰ هم توسط اداره کل آمار مطرح شد
۱۴	۱۳۷۳	۲۳۰۰۰۰	۲۱۸۹۰۳	۱۱۰۹۷	
۱۵	۱۳۷۴	۲۳۰۰۰۰	۲۱۱۰۵۷	۱۸۹۴۳	
۱۶	۱۳۷۵	۲۳۰۰۰۰	۲۰۱۴۵۸	۷۵۳۵۲	
۱۷	۱۳۷۶	۲۳۰۰۰۰	۲۱۷۱۸۲	۳۵۸۵	
۱۸	۱۳۷۷	۲۳۰۰۰۰	۲۰۳۵۴۵	۵۰۵۳۴	

۱) سطح کشت اعلام شده توسط سازمان کشاورزی مازندران
 ۲) سطح کشت اعلام شده توسط اداره کل آمار و اطلاعات
 همانگونه که ملاحظه می شود در بعضی از سالها اختلاف سطح زیر کشت بسیار زیاد است.
 بدیهی است وجود اختلافات زیاد برنامه ریزی را دچار مشکل می کند.
 جدول ۲: سطح کشت (برنج) اعلام شده توسط سازمان کشاورزی گیلان و اداره کل آمار و اطلاعات از

سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۵

ردیف	سال	سطح کشت (۱)	سطح کشت (۲)	تفاوت سطح کشت	توضیحات
۱	۱۳۶۰	۱۷۳۷۱۲	۱۷۳۱۷۲	۰	
۲	۱۳۶۱	۱۸۰۷۸۲	۱۸۰۷۸۲	۰	
۳	۱۳۶۲	۱۹۲۱۰۰	۱۹۵۳۴۷	۳۲۴۷	
۴	۱۳۶۳	۲۱۰۰۰۰	۱۹۷۵۶۱	۱۲۴۳۹	
۵	۱۳۶۴	۲۲۰۰۰۰	۲۰۸۳۴۱	۱۱۶۵۹	
۶	۱۳۶۵	۲۲۵۰۰۰	۱۹۸۶۰۶	۲۶۳۹۴	۱۶۵۶۳۸ هکتار در روش سرشماری اداره آمار بدست آمد.
۷	۱۳۶۶	۲۲۲۰۰۰	۱۸۱۲۹۲	۴۵۷۰۸	
۸	۱۳۶۷	۲۳۰۰۰۰	۱۹۳۱۰۷	۳۶۸۹۳	
۹	۱۳۶۸	۲۳۰۰۰۰	۲۰۶۹۱۹	۲۳۰۸۱	
۱۰	۱۳۶۹	۲۳۰۰۰۰	۲۰۳۲۶۰	۲۶۷۴۰	
۱۱	۱۳۷۰	۲۳۰۰۰۰	۲۰۴۸۶۱	۲۵۱۳۹	۱۵۸۴۷۰ هکتار در روش سرشماری اداره آمار بدست آمد.
۱۲	۱۳۷۱	۲۳۰۰۰۰	۱۹۶۱۵۵	۳۳۸۵۵	
۱۳	۱۳۷۲	۲۳۰۰۰۰	۱۹۵۴۰۳	۳۴۵۹۷	
۱۴	۱۳۷۳	۲۳۰۰۰۰	۱۸۹۲۷۲	۴۰۷۲۸	
۱۵	۱۳۷۴	۲۳۰۰۰۰	۱۹۰۱۲۲	۳۹۸۷۸	
۱۶	۱۳۷۵	۲۳۰۰۰۰	۱۹۴۳۶۷	۳۵۶۳۳	

۱) سطح کشت اعلام شده توسط سازمان کشاورزی گیلان
 ۲) سطح کشت اعلام شده توسط اداره کل آمار و اطلاعات
 (مأخذ: منبع (۱۱))

و یا شاید اصطلاح مرغ همسایه غاز است ما را اینقدر بی ارزش کرده است که باید در انبارها پیوسیم و به نوعی خسرت الدنيا و الاخره شویم و صدای دلخراش ۸۰۰۰۰۰ تن واردات را از گوشه و کنار بشنویم تازه آنکه ۳۵۰۰۰۰ تن به سقف واردات برنج اضافه شد و در عمل در سال ۱۳۷۸ بیش از ۱۲۰۰۰۰۰ تن برنج وارد کشور شد مگر در این کشور چقدر برنج مصرف می شود مقدار برنج تولیدی کشور در این سال چقدر بود (جدول ۳)

جدول ۳: سطح زیر کشت، تولید کل، میانگین عملکرد در هکتار و واردات برنج

در سال های (۷۸-۱۳۷۰)

سال	سطح زیر کشت هکتار	تولید کل شلتوک هزار تن	میانگین عملکرد کیلوگرم در هکتار	واردات برنج سفید هزار تن
۱۳۷۰	۵۳۷۱۷۰	۲۳۵۷	۴۱۱۲	۵۵۹/۷
۱۳۷۱	۵۹۰۰۴۰	۲۳۶۴	۳۹۶۰	۹۴۳/۸
۱۳۷۲	۵۸۸۴۶۶	۲۲۸۱	۳۸۷۶	۱۱۵۸/۵
۱۳۷۳	۵۶۳۳۸۱	۲۲۵۹	۴۰۱۰	۴۵۶/۳
۱۳۷۴	۵۶۵۵۷۵	۲۳۰۱	۴۰۶۸	۱۱۴/۷
۱۳۷۵	۶۰۰۳۲۹	۲۶۸۵	۴۴۷۲	۹۱۵
۱۳۷۶	۵۶۳۲۱۰	۲۳۵۰	۴۱۷۳	۶۶۸
۱۳۷۷	۶۱۵۰۰۰	۲۶۳۵	۴۲۸۵	۵۳۰
۱۳۷۸	۵۸۷۰۰۰	۲۵۹۶	۴۴۲۴	۱۲۲۰

مأخذ: غلات در آینه آمار و اطلاعات ارائه توسط وزارت بازرگانی. (طرح تأمین و توزیع برنج طی سال ۷۸)

و وا اسفا آنکه دست اندرکاران و نمایندگان محترم منطقه شمال اعلام کردند کاهش قیمت برنج بر اثر واردات بی رویه منجر به عدم فروش حدود ۳۰۰۰۰۰ تن برنج پر محصول در ابتدا فصل برداشت ۱۳۷۹ شده است که در دست شالی کاران یا در کارخانه ها موجود است.

حالا چه خواهد شد که صاحب خانه ها در انبارهایشان هنوز محصول دارند و به فکر خرید از خانه همسایه‌اند؟ نمی‌دانم من که درس نخوانده‌ام بدانم حکمت این امور را!

به یاد دارم پیری فرزانه که خدایش بیامرزاد^۱، فرمود: بعضی از کشورها برای توازن تولید و مصرف، همزمان ضمن واردات ممکن است همان محصول را از تولید داخل به کشور دیگر صادر کنند تا تولیدکنندگان داخل انگیزه بیشتری برای تولید داشته باشند راستی سهم برنج های کیفی ایران در سطح تجارت بین الملل چقدر است؟ البته می‌دانیم اولاً همه برنج های کیفی را نمی‌توان صادر کرد.

ثانیاً مگر شعار روز جهانی غذا در سال ۲۰۰۱ رهایی از گرسنگی، با تأکید بر سلامتی غذا نبود؟ پس چقدر به برنج وارداتی می‌توان اطمینان کرد؟ واردات برنج برای کشور ما در کدام مقوله می‌گنجد؟ رهایی از گرسنگی؟ یا سلامتی غذا؟ تنها بدشانسی که آورده‌ایم اینکه هنوز دانشمندان در خارج به بیماریهایی چون "جنون گاوی" را در برنج نیافته‌اند و آنرا به عنوان "جنون برنجی" قلمداد نکرده‌اند تا از واردات برنج همانند گوشت با احتیاط بیشتری عمل کنیم؟ مسئله دیگر اینکه شاید به چنین خطراتی در گیاهان رسیده‌اند و چند سال دیگر گوشزد می‌کنند؟ با من هم عقیده‌اید که واردات در مقوله سلامتی غذانیست زیرا به آنچه که من در داخل کشور توسط برنجکاران می‌بینم باور دارم که "من ایرانی سالمترینم" پس تأیید می‌کنید برای رهایی از گرسنگی برنج وارد کشور می‌شود حال من بهترم یا او؟ شاید از لحاظ ظاهری تفاوت نکنیم پس چرا مصرف کننده ترجیح می‌دهد برنج وارداتی مصرف کند؟ مگر غیر از این است که با قیمت کمتر عرضه می‌شود؟ مگر غیر از این است که او را با سلام و صلوات وارد کشور کرده‌اند و یارانه های خوب، خوب برای او تخصیص داده‌اند؟ خوب، اگر همکاری و "یارانه یاران" از او سلب شود و این موضوع به پایانه تبدیل شود من هم

۱- استاد مرحوم روانشاد دکتر نیک نژاد

خواهم توانست بر خود بیالم و بر دستان پینه بسته ، دسته دسته کشاورز مرهم امیدی باشم و پرچم سبز خود کفایی را بر بلندای قله استقلال، آزادی ، جمهوری اسلامی برای همیشه به اهتزاز در آورم .

آری من می توانم،

گر بگیرد ختم یارانه زیاران جملگی با شور و شوق آیم به میدان

جماعتی دیگر راه حل دیگر پیشنهاد کرده اند مثلاً گفته اند به تولید کنندگان برنج یارانه داده شود من قدری از شرمندگی بیرون می آیم و جماعتی دیگر راه دیگر و ...

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

آیا این راه حل نهایی است؟ جماعتی دیگر کاهش هزینه ها را مطرح کرده اند تا مرا چون باسانی بدست آرند و آسان بدهند محزون نگردند. که باد آورده را باد می برد (باد اباد) جماعتی دیگر برای رسیدن به این مقصود گفته اند دیگر صعوبت کاری چرا؟ مکانیزه کنیم ، دستگاه برای کشت و برداشت بکار گیریم ، بسترهای کوچک مرا به بسترهای بزرگ برای راه اندازی ماشین آلات بکار بندیم تا که شاید از زحمت زارعین بکاهیم و یا از هزینه تولید کم کنیم تا آنان راضی باشند البته همگان زحمت کشیده اند افکار خوبی ارائه کرده اند تا به هر صورت چاره اندیشی کنند و مرا راحتتر و ارزانتر در اختیار عموم قرار دهند. اما من همچنان نظاره گر امورم که چه خواهد شد. واقعاً چرا راه حل اساسی برای زندگیم طرح نمی شود؟ چرا از افکار محققان در امر برنامه ریزی و رفع این معضل استفاده نمی شود؟ چرا دستان پینه بسته در امر برنامه ریزی نظری نمی دهند؟ چرا از همه بیگانه ایم چرا به بلای مرغ همسایه غناز است دچار شده ایم؟ تا کی باید در همسایه را کوفت؟ اگر شبی در را بکویسم و در به روی ما باز نشود چه کنیم؟

خود کفایی و کوه قاف

آیا توبحث خود کفایی محصولات رامی دانی؟ من که نمی دانم تنها چیزی که برای اول بار شنیدم اینکه می گفتند خود کفایی یعنی اینکه خودمان تولید کنیم و نیازی به بیگانه نداشته باشیم. اما امروز قدری تخفیف داده اند و گفته اند، خود کفایی این نیست که خودمان تولید کنیم بلکه اگر پول هم داشته باشیم و از بیگانگان بخریم، هم خود کفاهستیم. یعنی ما نیازی به بیگانه نداریم این موضوع به داستان رسیدن پرندگان به کوه قاف و ملحق شدن به سیمرغ را ماند آورده اند که ههد که در این داستان پیرفرزانه و بلد راه است به جمله پرندگان گوید اینجا جایگاه ما نیست، بیائید به جایگاه اصلی خود که در کوه قاف است سفر کنیم و به سیمرغ رسیم و به او ملحق شویم برخی مرغان از ابتدا از همراهی با ههد پوزش می طلبند لکن جمعی پذیرفته به راه می افتند تا به سیمرغ رسند در بین راه عده ای دچار وسوسه های شیطانی شده و طعمه های راه را شناخته و به دون های فراوانی که در بین راه ریخته، چشم طمع دوختند و به ههد گویند باید در این مکان سکنی گزینیم آری، همین جا کافی است "مگر در کوه قاف چه خبر است" با این تن خسته و از نفس افتاده کی توانیم به کوه قاف رسیم؟ "جمعیت ما که چشم بدین مکان و غذا دوخته ایم بیش از شماست که به کوه قاف و قله بلند سیمرغ می نگرید" در این مکان غذای خوبی آماده است (ارزان قیمت) غافل از اینکه همه دام است و وبال بهر حال جمعی از این طریق از قافله جدا و از هدف اصلی دور می شوند جماعتی دیگر به طریقی تا آنکه از آن همه طیور تنها سی مرغ به "درگاه سیمرغ" راه می یابند، عطار چه نیک سروده است^۱ (۱۰)

آیا دستیابی به برنجی ارزان در بازار تجارت جهانی در چنین شرایطی برای ما دام نیست و باعث کاهش انگیزه در تولید نخواهد شد؟ اگر یارانه از برنج وارداتی حذف شود آیا برنج داخل نمی تواند با آن رقابت کند؟ جالب آنکه همه برای تولیدات

^۱ رجوع به ضمیمه (فرازهایی از سفر پرندگان به کوه قاف).

یارانه می‌دهند و ما برای واردات! تخصیص یارانه در بعضی از کشورها برای تولیدات داخلی بیش از ۲۰ برابر درآمد نفتی کشور ما در سال است! آیا برای رسیدن به قله خودکفایی که در "کوه استقلال و امنیت ملی کیان اسلامی" است نباید طعمه‌های راه را شناخته و سخن آن پیرفرزانه، آن عزیز همیشه یادگار آن پدر بزرگوار حضرت امام رحمه‌الله علیه که فرمود: کشاورزی محور استقلال است را همواره زمزمه زبان و حلقه گوش گردانیم؟

و به آنچه که در وصیت نامه سیاسی الهی خویش در زمینه خودکفایی و استقلال تأکید کردند و حتی فرمودند: خودکفایی و استقلال در همه ابعادش، بیشتر تأمل کنیم و بگویم در این خصوص برای تسریع در خودکفایی کشور اسلامی چه کرده‌ایم؟ چقدر از برنج حمایت کرده‌ایم؟ پس بهتر است مجدد حدیث آن پیرفرزانه را گوش کنیم: و وصیت من به همه آن است که باید خدای متعال "خودشناسی" و "خودکفایی و استقلال با همه ابعادش" به پیش و بی‌تردید خدا با شماست. اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید. (۳).

چه نیک فرمود: رهبر فرزانه، آن مقام عظمای ولایت، رشد و توسعه اقتصاد کشور باید بر پایه کشاورزی بنا شود، پس چه نیک است آنرا نیز همواره حلقه گوش و ورد زبان گردانیم. بعلاوه معظم له انتخاب سیاست‌های محوری از قبیل کشاورزی و بی‌نیازی نسبی از دیگران در تأمین امنیت غذایی جامعه را در مرقومه خود به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در تنظیم سیاست‌های اقتصادی برنامه سوم تأکید فرمودند.

و از خود سؤال کنیم آیا برای رسیدن

به آن اهداف بلند خودکفایی و استقلال نباید بیش از این بکوشیم و قدری در حمایت از تولید داخل که پشتوانه خودکفایی و استقلال ملی و امنیت کشور است، بیشتر گام برداریم؟ جالب آنکه یکی از مسئولین در هفتمین گردهمایی سالانه برنج که در تاریخ ۱۳ الی ۱۵ آذر ۱۳۷۸ در کرج برگزار شد فرمود: در کشور بطور ناخودآگاه بیشترین حمایت از برنج می‌شود! راستی اگر برنج تولید داخل، حمایت می‌شد اکنون در چنین وضعی

بودیم؟ و جالب تر آنکه یکی از صاحب نظران اقتصادی در یک مقاله تحقیقی در همان گردهمایی نشان داد قیمت برنج در اصل دارای سیر نزولی است و فقط قیمت ظاهری در حال افزایش است. قیمت واقعی برنج که پس از کسر تورم حاصل می گردد، افزایش پیدا نکرده است (۱۸). که نشان دهنده عدم حمایت از برنج است!!

این صاحب نظر اقتصادی در پاسخ به این سؤال که چرا در چنین شرایطی تولید برنج افزایش یافت؟ فرمودند: با وجود عدم حمایت از برنج و با وجود کاهش قیمت واقعی، به دلایل زیر تولید آن افزایش یافت.

۱- تولید کننده برنج بیشتر متوجه قیمت ظاهری است تا قیمت واقعی

۲- (زارع همواره به قیمت ظاهری توجه می کند).

۲- سودآوری نسبی برنج در مقایسه با سایر محصولات

۳- کوچکی اندازه مزارع و عدم جایگزینی مناسب برای برنج

”اره برار من حتی شه دسترنج نیمه!“

آری، برنج مورد حمایت واقع نشده است

لذا رسیدن به خود کفایی درد ورنج دارد، زحمت دارد و مصیبتها دارد

به دریا در منافع بی شمار است اگر خواهی سلامت بر کنار است

پس

طی این مرحله بی مهری خضر مکن ظلماست بترس از خطر گمراهی

خود کفایی و امنیت غذایی

مدتی است بازار امنیت غذایی بسیار داغ شده است. این مفاهیم را که ماها نمی فهمیم؟ عده ای که چیزی نمی دانستند گفتند امنیت غذایی یعنی دسترسی تمام مردم به غذای کافی در تمام اوقات برای زندگی سالم و فعال لذا عوامل اصلی امنیت غذایی را میزان دسترسی به مواد غذایی و توانایی برای خرید آن تشکیل می دهند (۱۵، ۱۹). میزان دسترسی به مواد غذایی نیز از دو طریق امکان پذیر است که عبارتند از تولید و تجارت، بنابر این امنیت غذایی لزوماً به منزله خود کفایی در محصولات غذایی

نمی‌باشد به علاوه دسترسی به مواد غذایی تنها بخشی از امنیت غذایی را تشکیل می‌دهد بنابراین این اهمیت امکان خرید مواد غذایی به اندازه اهمیت میزان دسترسی به غذا می‌باشد به عبارت دیگر، امنیت غذایی هم طرف عرضه و هم طرف تقاضای مشکل غذا را در بر می‌گیرد که این مقوله کار را برای رسیدن به خودکفایی محصولات به آن مفهومی که در گذشته بود دو چندان می‌کند ولی خودکفایی با افزایش تولید سخت در ارتباط است. با این وصف بعضی‌ها شاید مطرح کنند اصلاً نیازه افزایش تولید نداریم، بیایید جمعیت‌ها را کاهش دهیم که کمتر نیاز داشته باشیم کمتر بخوریم، تا چنانچه کمتر هم تولید کردیم مسئله‌ای نباشد (کاهش جمعیت) می‌دانم شاید بس در راه حلی نباشد جماعتی دیگر راه دیگر نهادند و بحث پرهیز از افراط و تفریط را مطرح کردند، (کاهش مصرف سرانه) بیایید در همه کار میانه روی باشیم اعتدال داشته باشیم و غیره، لکن بعضی‌ها بهره‌وری مناسب را مطرح کرده‌اند و جماعتی راه دیگر.

آیا در تعریف امنیت غذایی که توسط سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۲ عنوان شد اندیشیده‌ایم، آیا آنرا در فرهنگ خود با سیاست خود کفایی مطابقت داده و آنرا در چارچوب خودکفایی هضم نموده‌ایم؟ بعلاوه هرگز این نکته را از یاد نبریم که امنیت غذایی هر چند ممکن است در طول زمان مفاهیم متعدد و رنگهای مختلفی را بخود بگیرد ولی چیزی که همواره از رنگ تعلق آزاد است صیانت کشور است. لذا امنیت غذایی در هر تعریفی و در هر زمانی یکی از مهمترین وجوه امنیت ملی کشور است که باید در چهارچوب خودکفایی و امنیت ملی و میهنی ما تعریف شود تا صیانت جامعه مسلمین همواره محفوظ ماند. با این حال در آستانه قرن بیست و یکم هنوز هم قحطی، گرسنگی، سوء تغذیه و خشکسالی بخش عمده‌ای از جمعیت برخی از نقاط جهان را که عمدتاً در بردارنده کشورهای کمتر توسعه یافته می‌باشند آزار می‌دهد. گرچه عمدتاً از عواملی مانند کمبود منابع طبیعی، فشارهای ناشی از عدم کنترل جمعیت و بلاهای طبیعی، به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر این بلای انسانی نام برده

شده، و اما عوامل واقعی عمدتاً ریشه عمیقی در نحوه ساختار کلیت بخش کشاورزی، اقتصاد ملی و فرآیند کلی توسعه کشورهای تحت تأثیر قرار گرفته دارد نکته دیگر اینک که قدیمی ترین و اساسی ترین فعالیت انسانی، یعنی کشاورزی در برخی مناطق از جهان که به داشتن زندگی و حکومت های سنتی شهرت داشته اند همواره توأم با مشکل بوده است. این امر نشان می دهد که توسعه نیافتگی و فقر دست در دست هم به پیش می روند (۱۵).

کشورهای توسعه یافته فقط ۴۷/۹ درصد از زمینهای قابل کشت جهان را در اختیار دارند در حالی که سهم کشورهای در حال توسعه ۵۲/۱ درصد می باشد. اما کشورهای توسعه یافته به رغم کمتر بودن جمعیت بخش کشاورزی و زمینهای قابل کشت شان، قادر به تولید محصولات کشاورزی به میزانی بیش از نیازشان بوده اند، لذا در مقیاس جهانی به صورت صادرکننده خالص مواد غذایی درآمده اند. البته کلیه این موفقیت در افزایش بهره وری زمین، نیروی کار و سایر عوامل تولید و همچنین بهبود و افزایش مهارتهای فنی بوده است (۱۵).

بدانید آنچه را که بهتر است نیک بدانید.

آیامی دانید که مصرف سرانه برنج در جوامع شهری بیش از جوامع روستایی است؟ آری، متوسط مصرف سرانه برنج در شهرهای بین ۴۳-۳۸ کیلوگرم و در روستاها بین ۳۶-۳۲ کیلوگرم است؟ عجب و آیامی دانید که افزایش مصرف سرانه برنج تا حد زیادی به افزایش درآمد سرانه در ارتباط است؟ آری هر که بامش بیش برفش بیشتر پس چه انتظاری از عدم مهاجرت روستائیان به شهرها!

محققان معتقدند با افزایش درآمد، مصرف سرانه برنج از سال ۱۳۵۰ تاکنون افزایش یافت و تقاضا برای برنج تابعی از درآمد و قیمت برنج است (۱۶) گفته می شود مصرف سرانه در بعضی از کشورها مانند هندوستان و اندونزی و... در حال افزایش و در بعضی از کشورها در حال کاهش است. کاهش مصرف سرانه به خاطر تغییر الگوی مصرف بلکه به خاطر کاهش توان خرید است (۱۱).

آیامی دانید که سطح اراضی تجهیز و نوسازی در سال، کمتر از ۴۰۰۰ هکتار است؟ آری، و آیامی دانید مفهوم آن چیست؟ یعنی برای تجهیز و نوسازی اراضی شالیزاری (با سطح فعلی) حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ سال زمان لازم است. اینکه چیزی نیست خوشا آنانی که در سال صد پنجاهم مزرعه خود را تجهیز می کنند آن هم در مرحله ای که مفهوم زمان همان مفهومی نیست که دیروز بود و مفهوم علم نیز همان چیز نخواهد بود که امروز است! تا سال ۱۹۷۰ دانش بشری هر ۵۰ سال دو برابر می شد ولی از سال ۲۰۲۰ هر هفتاد روز دانش بشری دو برابر می شود.

طرح تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی اراضی که به منظور کاهش صعوبت و فراهم آوردن زمینه اجرای کار در شرایط مناسب و نیز امکان کشت مکانیزه برنج و در نهایت بهره وری بهینه از اراضی مطرح شد، در استان مازندران از سال ۱۳۷۲ آغاز شد که تا کنون فقط سطحی کمتر از ۹۰۰۰ هکتار مورد تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی قرار گرفت (۲) و در استان گیلان نیز حدود همین مقدار، که در مجموع کمتر از ۲۰۰۰۰ هکتار است.

آیا راهکار لازم جهت تسریع در امر تجهیز و نوسازی را ارائه کرده ایم؟

ان شاء الله در بخش توصیه ها

۳- آیامی دانید چقدر از تولید برنج جهان وارد تجارت بین الملل می شود؟ آری، فقط ۶ درصد کل تولید جهانی یعنی ۲۴ میلیون تن.

آیا می دانید که سهم ایران از سهم سطح زیر کشت و تولید برنج جهان چقدر است؟ فقط ۰/۴ درصد و آیامی دانید این مقدار چه مفهومی دارد؟ آری، یعنی حضور یا عدم حضور ایران از نظرات صادرات در سطح تجارت بین المللی برنج جهان اثرات زیادی ندارد. لکن از نظر حساسیت داخل اثرات زیادی بر جای خواهد گذاشت زیرا نداشتن سهم زیاد در تجارت بین الملل به منزله ضربه پذیر بودن است و به همان نسبت تجارت این محصول (واردات یا صادرات) بر تولید اثر زیادی خواهد گذاشت که اثرات آنرا بر تولید از طریق واردات تجزیه کرده ایم. لذا لازم است این موضع جدی گرفته بشود.

در اینجا ضروری است به نکته‌ای توجه شود که بحث صادرات برنج (برنج کیفی) در چین شرایطی چقدر می‌تواند در ارزآوری و یا خرید برنج با کیفیت پایین برای مصرف داخل از بازار جهانی نقش داشته باشد؟ و واقعاً سهم برنج‌های کیفی ایران برفرض مثال، همه وارد تجارت بین‌الملل شود چقدر است؟ که نیاز به بحث کارشناسی دقیق دارد ان شاء الله صاحب نظران اقتصادی در این زمینه راهکارهای لازم را ارائه خواهند کرد.

و اما سابقه صادرات برنج در ایران:

ایران در مقطعی از زمان (در ۷۰ سال اخیر) صادرات برنج داشت که عمده آن به دهه‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ برمی‌گردد بگونه‌ای که گفته می‌شود صادرات برنج ایران از سال ۱۳۱۰ با صدور برنج چمپا به روسیه (شوروی سابق) آغاز شد مقدار صادرات برنج در سال بسیار متفاوت بود و از نوسانات شدیدی برخوردار بوده است (۱۲)

بزرگترین رقم صادرات برنج در ۷۰ سال اخیر متعلق به سالهای ۱۳۲۵، ۱۳۳۱ و ۱۳۳۳ بود که به غیر از ۱۳۲۵ در بقیه سال علل افزایش صادرات، تضعیف ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی و نیاز کشور به ارز بود و در سال ۱۳۲۵ افزایش صادرات ناشی از عوارض جنگ جهانی دوم در کشورهای آسیای جنوب شرقی و اختلال در سیستم تولید این کشورها بوده که به تبع آن میزان صادرات برنج ایران ترقی یافت، اما این روند هرچند تا سال ۱۳۵۲ ادامه یافت لکن ایران بطور رسمی از سال ۱۳۳۹ شروع به واردات برنج نمود تا آنجایی که اکنون ایران در رتبه‌های اول تا چهارم واردکنندگان برنج جهان از نظر مقدار واردات قرار دارد. بسی شک‌عللی که در کاهش و توقف صادرات برنج ایران در آن زمان دخیل بوده‌اند عبارتند از:

۱- بالا رفتن میزان مصرف سرانه برنج، عدم کفاف تولید برای مصرف داخل

۲- مسائل سیاسی مربوط به معاملات تهاتری با کشور شوروی

۳- افزایش نرخ رشد جمعیت

گفته میشود قیمت جهانی برنج طی ۲۶ سال گذشته حدود ۲٪ کاهش داشته است لذا این احتمال هست که با پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (WTO) قیمت واقعی برنج همانند قیمت جهانی برنج تا حدودی کاهش یابد (۱۶)!

در این صورت آیا از خود سوال کرده‌ایم اگر روزی قرار باشد تجارت این محصول آزاد شود قادر به رقابت با برنج بازار جهانی خواهد بود؟

آیا تدابیر لازم را بکار گرفتیم تا تولید برنج را اقتصادی‌تر کنیم؟

یکی از مسئولین عالی‌رتبه در گردهمایی برنج در سال ۱۳۷۸ فرمودند: گویی تولید در کشور نفرین شده است. در حالی که وقتی به واردات می‌رسیم همه چیز فراهم می‌شود حتی با استقراض بانکهای خارجی، در حالی که در تولید اینگونه نیست چرا؟ نکته دیگر اینکه یکی از مسئولین عالی‌رتبه کشاورزی در سال جاری نیز فرمود:

در شرایطی که به لطف درآمد نفتی کشور انواع محصولات کشاورزی بدون بررسی کارشناسانه و بی‌رویه به کشور وارد می‌شود آیا می‌توان انتظار داشت کشاورزان ما در رقابت با کالاهایی که دو یارانه به آنها داده شده (یارانه کشور صادر کننده یارانه‌هایی که بدلیل واردات با ارز ارزان قیمت به آنها تعلق گرفته، پیروز باشند!

ولی واقعیت این است تا وقتی که این سیاست‌ها ادامه پیدا کند رشد بخش کشاورزی بیش از این نخواهد بود. حال از خود می‌پرسیم چرا باید در امر واردات این همه انفعالی و بدون برنامه عمل کنیم؟! وجود نوسانات زیاد در منحنی واردات نشانه چیست؟

آیا چنین نوساناتی را در مقدار تولید داریم؟ چرا؟

در حالی که اگر واردات بر اساس برنامه و نیازهای واقعی کشور صورت گیرد می‌بایست با منحنی تولید همگرایی داشته و از نوسانات کمتری برخوردار باشد پس بیایید به آینده این مرز و بوم فکر کنیم و راحت و آسان از این بلاهای اجتماعی نگذریم!

بهتر است بدانید کشورهایی که ما امروزه بیشترین واردات را از آنها داریم، همان کشورهایی هستند که در اعتقاداتشان ریختن برنج بر محیط کثیف را گناه می‌دانستند! و

برای زارعت برنج آداب و سنتی قائل بودند. بگونه ای که برای آن بنوعی مستحباب و محرمات در نظر گرفته بودند!

و همان هایی بودند که می گویند در آب ماهی فراوان و در شالیزار برنج!

و می گفتند در تاریکی برنج نخورید^۱... (برنج را باید دید و خورد).

و بی حرمتی به برنج را گناه نابخشودنی می دانستند و می گفتند اگر کسی در مصرف برنج اسراف کند و یا آنرا دور بریزد دستش چلاق خواهد شد و هرگز روی فراوانی و خوشبختی را نخواهد دید!

جالب است بدانید که یک ضرب المثل چینی^۲ می گوید. خرمنی در سوژو هوژ و شکم همه اهالی کشور را سیر می کند! (یک میلیارد)

اما این همه خرمن در گیلان و مازندران و ۱۶ استان برنج خیز شکم ۶۰ میلیون را هم سیر نمی کند! چرا؟. حال سوال اینجاست اگر کشوری برای تأمین مواد غذایی یک محصول نیاز به واردات آن محصول داشته باشد آیا سطح کشت آن محصول باید افزایش یابد یا کاهش تصدیق خواهید کرد که باید افزایش یابد. پس چرا مزارع برنج با وجود نیاز کشور به برنج و واردات یک میلیون تنی در سال تبدیل به ساختمان و باغ و میشود. آیا فکری برای جلوگیری از هدر دادن این همه سرمایه ملی در تبدیل اراضی کرده ایم؟ زمینهایی که بدلیل نداشتن برنامه ای منسجم در تولید چندین بار دستخوش تغییر و تبدیل به باغ مرکبات و مجدداً به برنج و باز مجدداً به باغ شده اند. لطفاً به عکسهای ضمیمه توجه فرمایید. چه اسف بار است این بی برنامه گگی و چه سخت و جانسوز است هدر دادن این همه منابع ملی!!

^۱ ضرب المثلهایی از فیلیپین برگزیده ساموئل کک. تان (رجوع به منبع ۴)

^۲ محصول ۷۰۰۰ ساله چین نوشته هوا اوکسین و چانگک شوچیا (همان منبع)

مبارزه با فشار حاصله برای آزادسازی تجارت برنج:

جهانی شدن کشاورزی و اجرای مقررات گات ممکن است منجر به کاهش تمایل برای تولید برنج مخصوصاً در کشورهایی که اراضی کمیاب بوده و بهره برداران نیز دارای درآمد متوسط تا بالا باشند شود. (۹)

با کمیاب تر شدن نیروی کار، افزایش قیمت زمین و دستمزدها امکان رقابت با کشورهای که دارای درآمد پایین و هزینه کارگری کم بوده و یا کشورهای صنعتی که زمین اضافی داشته و کشاورزهایشان از اقتصادی بودن اندازه زمین بهره مند هستند بسیار کمتر خواهد بود چون برنج بخشی از فرهنگ کشور ما بخصوص در استانهای شمالی است دولت بایستی راههایی را برای حفظ کشت برنج بیابد. (۹)

همچنانکه بازارهای داخلی برای رقابت با بازار دنیا باز است قیمت‌های داخلی برنج در کشورهای با درآمد بالا ممکن است بشدت افت نماید. برای تقویت قدرت رقابت، بایستی درصدد بهم پیوستن مالکیت‌های کوچک و افزایش تعداد مزارع به مالکیت‌های متوسط و بزرگ باشیم برای پیش بینی چنین تغییری، محققین برنج نیز بایستی نیازهای نسل آینده کشاورزان تجارتی راشیه کشورهای توسعه یافته برآورده نمایند. (۹)

۴- آیا می‌دانید که مازندران و گیلان در مجموع بیش از ۷۵ درصد سطح زیر کشت و تولید برنج کشور را به خود اختصاص می‌دهند؟ (سطح زیر کشت استان مازندران ۲۳۰۰۰۰ - ۲۱۵۰۰۰ هکتار، سطح زیر کشت استان گیلان حدود ۲۱۰۰۰۰ - ۱۹۰۰۰۰ هکتار). آیا می‌دانید که شهرستان بابل و آمل به تنهایی حدود ۳۸ درصد سطح زیر کشت و ۴۵ درصد تولید استان مازندران را به خود اختصاص می‌دهند! (۱۴) (جدول ۵).

آیا می‌دانید که شهرستان بابل به تنهایی حدود ۴۵ درصد تولید ارقام پرمحصول استان را به خود اختصاص داده است. (جدول ۴) داشتن چنین سطح کشتی چه اثراتی روی اقتصاد این مناطق برجای گذاشت؟ فقط سبب شد "فقر و فلاکت اقتصاد این مناطق در زیر سایه سبز گیاهان و درختان آن پنهان شده، دل خوش کند".

جدول ۴: وضعیت برنجکاری استان مازندران به تفکیک شهرستانهای تابعه (در سال ۱۳۷۹)

شهرستان	سطح (زیرکشت (هکتار))		عملکرد (کیلوگرم درهکتار)		شالی تولیدی (تن)		رتون (تن)		برنج استحصالی (تن)	
	ارقام محلی	ارقام پرمحصول	ارقام محلی	ارقام پرمحصول	ارقام محلی	ارقام پرمحصول	برنج سفید	برنج سبزی	ارقام محلی	ارقام پرمحصول
بهشهر	۳۰۴۰	۴۹۶۰	۴۵۸۹	۸۲۳۸	۱۳۹۵۱	۴۰۸۶۰	۱۷۲	۱۰۷	۸۶۵۰	۲۵۳۳۳
نکا	۳۴۱۶	۲۰۸۴	۴۰۰۴	۷۶۸۹	۱۳۶۷۸	۱۶۰۲۴	۱۲۶	۷۸	۸۴۸۰	۹۹۳۵
ساری	۲۴۶۶۰	۳۸۴۰	۴۵۷۶	۸۰۳۶	۱۱۲۸۵۲	۳۰۸۵۸	۱۷۵	۱۰۷	۶۹۴۰۴	۱۹۲۸۶
قائمشهر	۱۲۱۲۴	۴۳۷۶	۴۷۰۵	۸۰۱۲	۵۷۰۴۳	۳۵۰۶۱	۹۴	۵۷	۳۴۵۱۱	۲۱۹۱۳
سوادکوه	۱۴۰۰	۱۶۰۰	۴۷۲۵	۴۸۰۲	۵۲۱۵	۷۶۸۶	۲۰۰	۱۲۰	۳۱۲۵	۴۵۲۵
جویبار	۷۰۰۰	۳۰۰۰	۳۶۹۲	۵۶۰۴	۲۹۸۴۴	۱۶۸۱۲	۱۹۰	۱۱۵	۱۵۸۹۴	۱۰۴۳
بابل	۱۳۷۶۲	۳۵۳۲۸	۶۸۴۳	۷۲۹۸	۶۱۲۱۷	۲۵۷۸۲۴	۱۲۷۵	۷۷۸	۳۷۹۶۷	۱۵۶۵۶۲
بابلسر	۱۲۶۲۶	۵۷۷۴	۴۵۰۲	۷۴۴۳	۵۶۸۴۲	۲۵۶۷۷	۲۲۵۰	۱۳۵۰	۷۴۳۸۹	۱۵۴۰۶
آمل	۱۵۳۵۰	۲۳۰۰۰	۴۲۴۸	۷۴۷۴	۶۵۲۰۷	۱۷۱۹۰۲	۱۱۰۰	۶۶۰	۴۰۷۸۱	۱۰۳۲۸۰
محمدآباد	۱۷۶۵۰	۳۰۰۰	۴۴۱۷	۷۲۴۹	۷۷۹۶۰	۲۱۷۴۷	۱۸۰	۱۱۰	۴۶۷۷۶	۱۳۰۴۸
نور	۷۹۰۰	۳۵۰۰	۴۰۹۸	۴۱۸۰	۳۲۲۷۴	۱۴۶۳۰	۱۲۷	۷۷	۱۹۴۲۴	۸۷۷۸
نوشهر	۳۴۸۷	۲۶۳	۳۹۸۷	۵۶۳۳	۱۳۹۰۳	۱۴۸۱	۲۴	۱۵	۸۳۴۲	۸۸۷
چالوس	۲۷۳۵	۱۵	۴۱۵۷	۴۹۷۸	۱۱۳۶۹	۷۵	۲۱	۱۳	۶۸۲۱	۴۵
تنکابن	۱۲۴۴۰	۵۶۰	۳۷۴۸	۶۳۷۹	۴۶۶۲۵	۳۵۷۲	۳۵	۲۱	۲۷۹۷۵	۲۱۴۳
رامسر	۱۰۰۰	۲۰۰	۳۹۷۹	۶۷۳۰	۳۹۷۹	۱۳۴۶	۳۰	۱۸	۲۳۸۷	۸۰۸
مازندران	۱۳۸۵۰۰	۹۱۵۰۰	۴۳۱۸	۷۰۵۵	۵۹۷۹۷۹	۶۴۵۵۵	۶۰۰۰	۳۶۶۶	۳۶۴۹۲۶	۳۸۲۹۹
						۵				۲

مأخذ: گزارش نهایی برنج و فعالیت های انجام شده در استان مازندران در سال ۱۳۷۹ سازمان کشاورزی

مازندران (دی ماه ۱۳۷۹)

۵- آیا می دانید که متوسط عملکرد برنج در کشور ما نسبت به متوسط عملکرد جهان حدود

۱۰ درصد بالاتر است؟ و ایران از این نظر در رده چهارم بالاترین برداشت کنندگان

عملکرد در واحد سطح قرار دارد؟ (جدول ۵)

آیا می دانید که اگر تولید ارقام اصلاح شده را مد نظر قرار دهیم ایران در رده های اول

تولید برنج در جهان قرار می گیرد!

آیا تاکنون در این خصوص اندیشیده‌اید که چه کسانی و چه تشکیلاتی در این امر دخیل اند؟ آیا به نقش تحقیقات برنج کشوری برده‌اید؟

راستی، آیا از خود سؤال کرده‌اید سهم تحقیقات در افزایش متوسط عملکرد برنج چقدر است

آیا نقش واحدهای اجرایی و ترویجی را تعیین کرده‌اید؟

و آیا نقش ساختارهای مدیریتی را هم در آورده‌اید؟

کدامیک در افزایش متوسط عملکرد بیشتر دخیل اند؟

کدامیک سالانه به نسبت از اعتبارات بیشتری برخوردار بوده‌اند؟!

سرمايه گذاري در کدام يك از واحدها مي تواند در ارتقاء كمى و كيفى محصولات

از سودمندی بیشتری برخوردار باشد؟!

چقدر از تحقیقات حمایت شد؟ سودمندی تحقیقات چقدر بود؟

همین قدر بگویم که در آمد حاصل از یک تن افزایش عملکرد برنج در یک سال حدود ۳۰۰

برابر اعتبارات موسسه برنج در سال است .

آیا بهتر نیست حداقل درصد ناچیزی از آن یا صرفه جویی های ارزی ناشی از آن

در جهت دستیابی به راهکارهای اساسی در امر برنج، از جمله تولید ارقام

مناسب با ذائقه مصرف راههای اساسی کاهش هزینه و افزایش بهره وری به مؤسسه

برنج تخصیص یابد؟!

جالب است بدانید در کشور ما سهم تحقیقات از درآمد ناخالص ملی فقط ۰/۳ درصد

است در حالی که سهم تحقیقات در کشورهای پیشرفته مانند ژاپن و ۰۰۰ با وجود

برخورداری از بهترین تکنولوژی روز و شاید نیاز کمتر حدود ۶٪ تولید ناخالص ملی

آنهاست!

جدول ۵: متوسط عملکرد برنج در ایران و جهان از سال ۱۹۷۷-۱۹۸۸ (Kg/ha)

سال	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷
برنج جهان	۳۳۴۰	۳۴۲۷	۳۵۳۷	۳۵۲۶	۳۵۷۶	۳۶۲۹	۳۶۶۸	۳۶۸۷	۳۷۸۷	۳۷۹۲
برنج ایران	۳۰۳۶	۳۵۷۲	۳۷۷۹	۴۱۱۲	۳۹۶۰	۳۸۷۶	۴۰۱۰	۴۰۶۸	۴۴۷۲	۴۱۷۳

ملاحظه می شود از سال ۱۹۸۹ متوسط عملکرد برنج در ایران از متوسط عملکرد در سطح جهان پیشی گرفته است تا جایی که از سال ۱۹۹۴ حدود ۱۰ درصد از متوسط عملکرد برنج جهانی بالاتر رفته است.

۶- آیا می دانید که یکی از راههای حل معضل برنج را تغییر الگوی مصرف عنوان می کنند؟ (۶) شنیدیم ، شنیدیم .

آیا در این خصوص تعمق کرده اید؟ چگونه می توان در کوتاه مدت الگو و ذائقه مصرف را تغییر داد نباتات جایگزین آن کدام اند؟ (، گندم، سیب زمینی، ذرت و ...)

آیا در مورد آنها مشکل نداریم؟ ول کن بابا، حالا مایه چیزی گفتیما!

در جایی که در روزش مشکل داریم چرا تیر در تاریکی بیاندازیم!

راستی، اگر متوسط مصرف سرانه برنج در کشورهای آسیایی را هم بدانید، شاید بهتر قضاوت کنید (۷۰-۶۴/۵ کیلو گرم) . نزدیک به دو برابر مصرف سرانه برنج کشور!

البته دقت بیشتر برای تشخیص و اولویت بندی مشکلات قابل تحقیق از نظر مشکلات اقتصادی تولید برنج و الگوهای در حال تغییر تقاضای غذا مورد نیاز است توجه بیشتر به امر کیفیت در اصلاح ارقام برنج برای حصول به ارقام متناسب با ذائقه مردم از مهمترین وسخت ترین وظایف تحقیقات در سالهای پیش رو می باشد.

رشد اقتصادی مصرف کننده ها منجر به تقاضا برای برنج با کیفیت بالاتر و تقاضای بیشتر برای تنوع غذایی و کالاهای مصرفی بیشتری خواهد شد. (۹)

۷- آیا می دانید که ۶۲٪ جمعیت کشور را جمعیت شهری و ۳۸٪ آنرا جمعیت روستایی تشکیل می دهند؟

و آیا می دانید که تا چند سال اخیر این دو مقدار مساوی و حتی معکوس بود؟ در زمانی که جمعیت ایران ۳۴ میلیون نفر بود، ۷۰ درصد آنرا روستائیان تشکیل می دادند. پس موضوع مهاجرت روستائیان به شهرها را جدی بگیرید به معضلات بیکاری جوانان اعزامی از روستاها به شهرها توجه کنید! به خاطر دارم یک زارع نمونه استان گیلان در سال

گذشته در گردهمایی برنج، فرمود: جوانان ما ثروت‌های ما هستند! چرا مهاجرت جوانان به شهرهای بزرگ زیاد صورت می‌گیرد؟ (آقای نژادفارسی)

آری ثروت از روستا برفت چون برکت از ماها برفت

۸- آیامی دانید که کدام تکنولوژی برای جوانان روستا اشغال ایجاد کرد؟

مکانیزاسیون ۲۰ ساله!

-تجهیز و نوسازی ۱۵۰ ساله!

-تعاونی‌های تولیدی با ۳۰ سال سابقه!

-تبدیل اراضی دیم به آبی! (آیامی دانید جنگ آینه جنگ آب و نان است)

و اما در مورد مکانیزاسیون:

این دیدگاه هر چند مفید بود و هست و همه عزیزان آنرا با هدف افزایش بهره‌وری و کاهش صعبیت کاری و کاهش ساعت کاری و در نتیجه کاهش هزینه قلمداد کردند لکن بدلیل:

۱- عدم شناخت فرهنگ بومی،

۲- عدم بررسی تبعات و عواقب اجتماعی،

۳- عدم وجود بستر مناسب، مانند کوچک بودن اراضی برای مکانیزاسیون

۴- عدم ایجاد هماهنگی تکنولوژی با پیش زمینه‌های پذیرش تکنولوژی در داخل

۵- عدم تدوین برنامه منسجم برای این منظور

مکانیزاسیون برنج از موفقیت لازم برخوردار نبود و شاید در هر جا اگر موفقیتی بود منجر به یکبارگی نسبی در آن منطقه شد.

و اما در مورد تجهیز

بحث تجهیز و نوسازی نیز سابقه‌ای چندین ساله دارد همه به اتفاق، موافق طرح تجهیز و آنرا برای کشور مفید و ضروری می‌دانند حتی خود زارع سودمندی آنرا یافت ولی آیا در این مورد به اصول مالکیت اراضی در اسلام توجه کرده‌ایم؟

کدام قشر از زارعین از طرح تجهیز استقبال نمی کنند؟ چرا؟
آیا به عملکرد خود توجه کرده ایم؟
آیا در مزارعی که تجهیز شد رعایت عدالت و انصاف را نموده ایم؟

و اما تعاونی های تولید

تعاونی های تولید نیز در کشور سابقه ۳۰ ساله دارند (۲۱). راستی دستاورد ۳۰ ساله آنها چه بود؟

آیا می دانید که بنیانگذار تعاون دین مبین اسلام است؟

آیا می دانید که روحیه تعاون در هر مرام و مسلکی پسندیده است؟ پس چرا...؟

آیا بهترین نیست به جای اصطلاح اصلاح ساختار تولید، ابتدا اصطلاح "اصلاح ساختارهای

مدیریتی تولید و اصلاح ساختار مدیریت های تعاونی تولید یا نظام های تولید" را مطرح

کنیم؟

آیا کاهش هزینه تولید را به عنوان یکی از بهترین شیوه دستیابی به سود آوری در تولید مطرح

نکرده ایم؟

آیا کوچک بودن اراضی برنج را به عنوان یک معضل در تولید و عامل افزایش هزینه برنج مطرح

نساخته ایم؟

آیا تجهیز و نوسازی و ایجاد تشکل های تعاونی های تولید را به عنوان راه حل معضلات فوق ارائه

نداده ایم؟

پس چه شد شرکت های سهامی زراعی کشور با آن همه سطوح کشت یکپارچه و ادوات

مکانیزه و برخوردار از تکنولوژی روز، یک یک اعلام ورشکستگی می کنند؟!

پس درود بر کشاورز برنجکار که در کمتر از ۰/۸ هکتار، ۸ سرعائله را سرپا نگه می دارد. و

بر این کشور امید سبز می دهد. رحمت خدا همواره قرینت باد.

۹- آیا می دانید که اهم پیشنهاد های کشاورزان نمونه سال

۱۳۷۸ به عالیترین مقام تصمیم گیری چه بود؟

خیر، پس گوش کنید:

الف - تأمین اعتبار کافی برای پروژه‌های آبی خاکی، مخصوصاً
 "تجهیز و نوسازی و یکپارچه سازی اراضی" با توجه به نداشتن توانایی مالی کشاورزان
 ب - ایجاد انگیزه در کشاورزان برای بکارگیری عوامل و عناصر موثر در کشاورزی پایدار
 ج - ایجاد انگیزه‌های لازم برای فعالیت بخش کشاورزی
 د - "تجدید نظر در قیمت محصولات کشاورزی"
 ه - حمایت از کشاورزان آسیب دیده در اثر خشکسالی
 و - تأمین اعتبارت و تسهیلات بانکی و کمک‌های بلاعوض در احداث ساختمانها و تأسیسات
 "تعاونی‌های تولید"

غافل از اینکه در بودجه تقدیمی دولت به مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۸۰ در مقایسه با
 ۱۳۷۹ در اکثر قسمت‌ها کاهش محسوسی مشاهده می‌شود (۱۷) (یکی از اعضاء کمیسیون
 کشاورزی مجلس شورای اسلامی)

و فقط در مورد تعاونی‌های تولید این کاهش حدود ۴۶ درصد است! حال سایر قسمت‌ها بماند!
 پس تجهیز و نوسازی و تقویت تشکلهای تولیدی خواسته زار عین هم هست اما چگونه؟
 - آیا می‌دانید که یکی از برنامه‌های وزارت کشاورزی در برنامه دوم توسعه اقتصادی ،
 اجتماعی و فرهنگی ساماندهی بازار کشاورزی و نهادینه نمودن فرآیند تنظیم بازار بود؟ (۲۰)
 آری، بر اساس این سیاست قرار بود به جهت ارتقاء توان رقابتی تولیدات داخلی در مقابل
 واردات و حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی ، نرخ‌ها و تعرفه و سود بازرگانی به نحوی
 تعیین شود که قیمت تمام شده محصولات وارداتی از قیمت تضمینی محصولات
 داخلی کمتر نباشد. البته که چنین شد ولی متأسفانه وقتی اقوام مرا از خارج
 می‌آورند آنقدر خودمانی شدند که رایگان به دست مصرف کننده می‌رسید و من شرمند شدم
 تازه حتی آنهایی که بصورت آزاد آزاد توسط مرز نشینان با آن همه هزینه وارد کشور
 می‌شد باز با قیمت بسیار ارزانتر بدست مصرف کننده می‌رسید. در چنین شرایطی من چگونه
 می‌توانستم سر بلند کنم؟ (یعنی واردات چه از طریق آزاد و چه از طریق دولت با
 تخصیص رایانه فرقی نمی‌کرد). این بماند ، ولی دلم سوخت از آن همان ارزی که مفت

و مجانی از کشور خارج شد در حالی که می‌توانست در خزانه دولت باقی مانده و برای فعالیتهای اساسی و زیربنایی و مصالح ملی و تحقیقاتی این مرز و بوم هزینه گردد! و نیز سیاست دیگر ایجاد مکانیزم مناسب زمینه سازی عرضه مستقیم محصولات تولیدی بخش کشاورزی از طریق حذف واسطه‌ها از تولید کنندگان به مصرف کنندگان آری، اما بیچاره واسطه‌ها، آنها که حذف شدند ولی کسی نبود ما را به دست مصرف کننده برساند البته وای از واسطه‌های جدید و...

۱۱- آیا می‌دانید که یکی از مهمترین سیاستهای اجرایی برنامه‌ای و حمایتی وزارت کشاورزی در برنامه دوم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی ایجاد فرصتهای شغلی جدید از طریق تبدیل اراضی دیم به آبی و توسعه کشت عمقی با تأکید در مناطق مستعد و محروم و تأمین حقوق همه اقشار آسیب پذیر در کشاورزی بود.!!! (۲۰)

بله، شنیده بودم ولی از قضا از بد اقبال آسمان بر زمینیان خشم گرفت و زمین را از نعمت باران محروم کرد. و نزدیک بود من که سالیانی در ناز و نعمت آب می‌پروریدم به "دیم تبدیل شوم" در این حال خدا به جوانان روستا رحم کرد و دعاشان را مستجاب گردانید که گفتند: خدایا باران بیار "ما کار" نخواستیم!

و اما نکته‌ای دیگر اینکه طی چند سال اخیر خشکسالی سال زراعی ۷۷-۷۸ بی سابقه بوده است میزان بارندگی در این سال ۴۰/۹ درصد کمتر از سال ماقبل آن و ۲۶ درصد کمتر از متوسط ۳۰ سال اخیر بود. (۱۷)

و اما نکته‌ای دیگر بدانید آب که بطور کلی بعنوان منبع فراوان در آسیای مرطوب تلقی می‌شدند ز همانند سایر منابع در حال کمیاب شدن است پیش بینی این است که میزان آب سرانه در دسترس در طی ۳۵ سال آینده با افزایش جمعیت ۶۰-۴۰ درصد کاهش خواهد یافت و از آنجایی که تقاضای آب غیر کشاورزی با گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن افزایش می‌یابد آب در دسترس کشاورزی کاهش خواهد یافت. (۹)

میزان بهره‌وری اراضی شالیزار نیز بطور جدی با کمیاب شدن آب تحت تأثیر قرار می‌گیرد زیرا ۹۰٪ استفاده از آب کشاورزی در آسیا مربوط به شالیزار است. بهمین دلیل چشم انداز تبدیل آبی اراضی دیم به آبی محدود و محدودتر می‌گردد. (در این حال ما از طریق تبدیل اراضی دیم به آبی شغل‌های جدید ایجاد می‌کنیم)! معلوم نیست آن جوانان مهاجر به داخل شهرها از کجا و برای چه آمده‌اند؟
که از ترس گفتند!

ما بدین ره نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم از بد حادثه "اینجا به پناه" آمده‌ایم
لذا با توجه به این واقعیت که ۴۰ درصد از غذای دنیا از راه زراعت آبی بدست می‌آید پیش بینی می‌شود کمبود آب به زودی نه تنها به گرسنگی بلکه به درگیری و جنگ میان ملتها منجر شود. حدود ۳۱ کشور که بیشتر آنها در خاور میانه و آفریقا قرار دارند در فهرست کشورهای بحران آب رقم خورده‌اند در ۲۵ سال بعد ۴۸ کشور دیگر که ۲۵ درصد از جمعیت جهان را در خود جای می‌دهند از قحطی آب رنج خواهند برد! تا ۲۵ سال دیگر خدا کریم است. نیاز آبی کشور در حال حاضر ۸۸ میلیارد متر مکعب است که در سال ۱۳۹۰ به ۱۲۶ و در سال ۱۴۰۰ به ۱۵۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. (۹)

برنج با کمتر از ۱/۱ سطح زیر کشت آبی کشور ۲/۰ آب استحصالی سالیانه بخش کشاورزی را مصرف می‌کند!

و اما بشنوید از تعهدات بخش کشاورزی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی افزایش میزان تولید محصولات زراعی از ۶۵ میلیون تن، به ۸۸ میلیون تن افزایش راندمان آبیاری از ۳۶ درصد به ۴۱/۵ درصد و ارتقاء ضریب مکانیزاسیون از ۰/۶۴ درصد به ۱/۰۷ درصد (راستی آیامی دانید که ضریب مکانیزاسیون در سال ۱۳۶۱ برابر ۰/۹۷ بود؟ کی رسید به ۰/۶۴؟!)
جالب آنکه یکی از مسئولین در سال گذشته فرمود: فاجعه‌ای در مورد مکانیزاسیون در حال رخ دادن است! و کسی از خود سؤال نکرده است؟ و این یعنی واردات برنج و سایر محصولات!

۱۲- آیا می‌دانید که یکی از مسئولین در سال جاری فرمود طی سالهای گذشته به علت "کمبود بودجه" پیشرفتهای لازم در بخش کشاورزی صورت نگرفته است؟!؟

آری شنیدیم! مگر در سال آینده افزایش خواهد یافت؟!؟

تازه جالب تر آنکه یکی از اعضا محترم کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت مناسب مالی دولت در طی یکسال گذشته گفت: در سالهای گذشته از تنظیم کنندگان بودجه بخش کشاورزی به صورت انقباضی عمل می‌شد عذرشان قابل قبول بود اما امسال که وضعیت مالی دولت به خاطر افزایش قیمت نفت مناسب است باز هم کشاورزی در این زمینه از بی توجهی برخوردار شده و "هیچ افزایش قابل توجهی در بخش کشاورزی" مشاهده نمی‌شود! (۱۷) مگر قرار بود بشود.

نماینده محترم در ادامه فرمود: امروز که کشورمان از نظر رشد میزان بیکاری می‌رود تا دچار "بحران جدی" شود با توجه به "کم هزینه بودن ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی (همانند تبدیل اراضی دیم به آبی!!) درم مقایسه با بخشهای صنعتی و تولیدی، این انتظار وجود داشت که دولت به این بخش توجه خاصی می‌داشت اما نگاه اجمالی به ارقام پیش‌بینی شده در اعتبارات بخش کشاورزی نشان می‌دهد که اکثر سر جمع اعتبارات این بخش با توجه به نرخ تورم منفی می‌باشد!

به علاوه نماینده محترم در ادامه ضمن برشمردن کشاورزی به عنوان محور توسعه به برخی از ارقام لایحه بودجه ۸۰ در بخشهای مختلف کشاورزی اشاره کرد. و گفت بخش ترویج در سال جاری ۶۸۶ میلیون تومان بودجه داشت اما در لایحه تقدیمی از سوی دولت این رقم نه تنها افزایش نیافت بلکه به رقم ۵۵۰ میلیون تومان تقلیل یافت یعنی بودجه ۸۰ در مقایسه با ۱۳۷۹ به مقدار ۱۳۶ میلیون تومان کاهش یافته است. در بخش آموزش همگانی از ۵۸۳ میلیون تومان در سال ۷۹ به ۴۰۰ میلیون تومان یعنی ۱۸۳ میلیون تومان کاهش یافت و اعتبارات تعاونی‌های تولیدی بخش کشاورزی در سال ۸۰ نسبت به سال جاری ۴۶ درصد کاهش نشان می‌دهد!

بدان که از ۹۹ درصد محصولات کشاورزی کشور با حضور مؤثر و فعال حدود ۳ میلیون و دو بیست هزار بهره بردار صورت می‌گیرد که این قشر عظیم ۲۵ درصد اشتغال کشور و ۵۰ درصد تولید ناخالص ملی بردوش آنهاست.

پس ای جانانه برار، بیایید برای موفقیت برنامه‌های کشاورزی به این بخش توجه خاصی مبذول داریم و به آینده این سامان، سامان دهیم. بیایید به حال خود بیاندیشیم به آینده این مرز و بوم فکر کنیم، اصلاً اندیشیدن را پیشه خود کنیم که به کجاها می‌رویم. نا کجا آبادها بدردمانمی خورد، ما کجاها آباد می‌خواهیم. بیایید به داستان پینه بسته نظری دوباره بیافکنیم که "دستان پینه بسته شرح دفتر دل است" بیایید به این شرح، شرحی دوباره بنویسیم. و آسان از کنار آن نگذریم چرا که برای رسیدن به این مقام بهای سنگینی پرداخت شده است..

بیاید قدری به "دل شکسته" آنان توجه کنیم؟ دل آنان رایش از این نشکنیم. که دل شکسته نود خ داخلی بهادارد. گفته اند هر چه بشکند از ارزش او بکاهد الا دل، که چون شکسته شود ارزش آن افزون گردد. حتی آن ذات احدیت فرمود: "اناعندمنکسره قلوبهم" من در نزد دل شکستگانم. پس بیایید برنامه درستی بر این سرنوشت بنویسیم و همگان را در این برنامه آنگونه که فکر می‌کنند دخیل کنیم تا خود بر افکار خویش دلیل و حجت باشند و ناکرده‌های خویش را به گردن دیگران نیاندازیم..

نتایج و بحث:

از آنجایی که هدف این مجموعه، شناخت، بیان مشکلات، در دل‌های برنج و نقد و بررسی پاره ای از راهکارهای ارائه شده در رفع معضلات برنج از زبان برنج بود لذا بطور خلاصه اهم نتایج این مجموعه را بیان نموده و در پایان پیشنهادات خود را تحت عنوان "پیشنهادهای برنج را جدی بگیریم" ارائه می‌نمائیم.

۱- عدم شناخت کافی این محصول استراتژیک:

اگر محصولی به عنوان محصول استراتژیک یعنی دارای اهمیت فراوان ، ضروری برای جامعه قلمداد می شود به همان نسبت باید آنرا بهتر بشناسیم و مسایل و مشکلات تولید آنرا در سطوح زارعین بیشتر و بهتر جويا شويم و تمام هم و غم خویش را در رفع آن بکار گیریم. بی شک هر محصول استراتژیکی باید اینگونه باشد.

۲- نداشتن برنامه ای منسجم در رفع معضلات برنج:

این موضوع ناشی از عدم شناخت است. چرا که تا زمانی ، موضوعی درست شناخت نشود ، راههای حل معضلات آن نیز جدی گرفته نمی شود. به عنوان مثال با وجود مفید بودن طرح تجهیز و زحمات عدیده ای که متولیان این امر در کشور و بخصوص در استان مازندران و گیلان متحمل می شوند سرعت انجام آن به نسبت سطح زیر کشت کند و بطبی است. نمونه دیگر، عدم ارائه طرح "محوری برنج" است. اگر برنج به عنوان محصول اساسی برای تأمین مواد غذایی جامعه شناخته شد، چرا "طرح محوری" در مورد آن ارائه نمی گردد؟! لذا ضرورت دارد برای تأمین کلیه برنج کشور در داخل ، این محصول مورد حمایت جدی قرار گیرد.

۳- کاهش انگیزه تولید از طریق واردات بی رویه و توزیع برنج وارداتی در موقع نامناسب:

یکی از معضلات تولید برنج ، واردات بی رویه بوده است که باعث رکود بازار و در نتیجه باعث مسایل و مشکلات اجتماعی عدیده ای در سطح شهر و روستا شده است که همگان شاهد آن بوده ایم. بی شک اگر در امر واردات با برنامه ریزی بهتری عمل می کردیم وضع بهتر از حال بود. به علاوه واردات روی سطح زیر کشت ارقام پرمحصول تأثیر جدی گذاشت. که سبب کاهش سطح زیر کشت ارقام پرمحصول و در نتیجه سبب کاهش میانگین تولید و نیازمندی بیشتر کشور به برنج گردید که بصورت تسلسل سبب افزایش انگیزه در واردات شده است.

۴- دخالت ندادن متولیان این محصول در امر سیاست گذاری این محصول: چه اشکالی ایجاد می شود اگر در برنامه ریزی این محصول نقطه نظرات کارشناسان ترویج، محققین و زارعین، بکار گرفته شود؟

۵- نداشتن اطلاعات دقیق از تولید و مصرف و هزینه های واقعی تولید این محصول: (البته در خصوص هزینه های تولید برنج مقاله ای با همکاری اینجانب و کارشناسان ادارات بازرگانی و دانشکده کشاورزی و سازمان کشاورزی تهیه شده است که ارائه خواهد شد) سایر مسایل و مشکلات این محصول در متن مقاله بصورت موضوعی و تحلیلی آمده است که در اینجا از ذکر آن خودداری می شود.

در اینجا لازم است مجدداً بیان کنم که این مقاله، یک مقاله علمی، اجتماعی - تحلیلی است. که هدف از آن بیان مشکلات تولید برنج، و ارائه نکات هشدار دهنده و زنگ خطرها در تولید این محصول، و لزوم توجه بیشتر به خودکفایی و حمایت از تولیدات داخلی بوده است.

پیشنهادات "برنج" را جدی بگیریم

قبل از بیان توصیه، لازم است توضیح مختصری ادا شود. اصولاً در کشور ما در بسیاری از زمینه ها همواره نیازمند تغییر ساختار بوده ایم. لکن ذکر این نکته ضروری است که هر گونه تغییر ساختاری بدون مطالعه دقیق و بدون برنامه و بدون شناخت ضعف ها و نقاط قوت خوشایند نبوده نیست. و همان خواهد شد که دیدیم. در کشور ما و سایر کشورهای جهان سوم (کشورهای در حال توسعه) که عموماً نسبت به سایر کشورهای جهان شورایی تا حدودی مقاوم به تغییرات و تحولات تکنولوژیکی و یا حداقل محتاط به تحولات هستند (خاصه در این مقوله که با کشاورز سرو کار داریم) مطالعه و دقت بیشتری را طلب می کند. تا جایی که اهمیت این موضوع، با "شعار اقتصاد بدون نفت" دو چندان می شود. زیرا هرگونه تغییر ساختاری نیازمند تغییر ساختار اقتصادی و صرف هزینه هایی است که زمینه آن تغییر ساختار را فراهم کند. بسا راهکارهای اساسی در حل معضل برنج پیشنهاد گردد ولی بدلیل عدم تأمین اعتبارات یا تأمین اعتبارات در موقع نامناسب عقیم و

حتی نتیجه معکوس بر جای بگذارد. نمونه های آنرا در مورد انتقال کند تکنولوژی به روستاها مانند مکانیزاسیون و تجهیز و نوسازی سراغ داریم. لذا "اصلاح فرهنگ ها یا تطابق فرهنگی" چه در پذیرش تکنولوژی به زارعین و چه در انتقال آن اهمیت بسزایی دارد و نکته دیگر اینکه در شرایط اصلاح فرهنگ ها بخصوص مطابقت فرهنگی سیاست ها و برنامه های دولت بهتر مورد پذیرش قرار میگیرد (مثلاً افزایش تولید در مورد تولیدکنندگان، و یا برنامه تغییر الگوی مصرف یا کاهش مصرف در مورد مصرف کنندگان). لذا اولین گام در خصوص هر برنامه ای مطالعه همه جانبه آن، بررسی مزایا و معایب و راهکارهای رفع معایب هست. اگر راهکاری بصورت کارشناسی شده در رفع معضلی ارائه می گردد چرا مورد حمایت واقع نمی شود؟!

اما چند توصیه:

۱- حمایت از تولیدات داخل

الف - حذف یارانه از برنج وارداتی

ب - واردات کمتر از حد نیاز (مثلاً حدود ۱۰ درصد سالانه تقلیل یابد)

این موضوع اگر با برنامه ای مدون و حساب شده انجام شود چند حسن دارد. یکی اینکه سبب افزایش جزئی در قیمت برنج داخل می شود که این مسئله ضمن افزایش انگیزه در تولیدکنندگان، در دراز مدت باعث کاهش مصرف سرانه و یا حفظ مصرف سرانه در حد فعلی و ترغیب در جهت کشت ارقام پرمحصول و تمایل به تغییر الگوی مصرف غذایی، تطابق بیشتر ذائقه مصرف کنندگان به مصرف ارقام پرمحصول می گردد.

ج - در صورت آزاد سازی واردات توسط بخش های خصوصی "ضمن اعمال سیاست واردات کمتر از حد نیاز" تعرفه های گمرکی به نحوی پیش بینی گردد که قیمت برنج وارداتی در "زمان عرضه" به مصرف کننده با قیمت ارقام پرمحصول داخلی تفاوت محسوسی نداشته باشد.

۲- حذف هرگونه سیاست و برنامه در جهت افزایش انگیزه در تولید و کشت ارقام محلی

از لیست برنامه های دولت

الف - تخصیص یارانه فقط به کشت ارقام پرمحصول تعلق گیرد. چگونه؟

- ندادن سموم ارزان قیمت به زارعین جهت مبارزه به آفات و امراض در کشت ارقام محلی - مشمولیت بیمه های زراعی فقط به ارقام پرمحصول (در این سیاست به نفع دولت هم هست. زیرا آسیب پذیری ارقام پرمحصول در مقابل عمده حوادث و بعضی از بیماری ها کمتر است)

- تقلیل سهم زارع در امر تجهیز و نوسازی مزارع برای زارعینی که به مدت ۲-۳ سال فقط ارقام "پرمحصول" کشت کنند (این موضوع هم سبب تمایل زارعین به تسریع در امر تجهیز و نوسازی می شود و هم دولت به اهداف خود در جهت نیل به افزایش تولید و کاهش واردات گام بر می دارد.

ب - محدودیت در امر صادرات ارقام کیفی (در صورت ضرورت صادرات آن برای کشور) زیرا اگر صادرات ارقام کیفی محدودیتی نداشته باشد این موضوع سبب افزایش انگیزه در تولید و کشت ارقام کیفی می گردد. که به مرور سبب کاهش سطح زیر کشت ارقام پرمحصول و افزایش صعودی واردات بطور سالانه گردیده و در دراز مدت به ضرر جامعه و مصالح ملی کشور است.

۳- انطباق سیاست تولید بر نظام های تولید بر اساس تقسیم بندی اقلیمی و اکولوژیکی مناطق مستعد محصولات مختلف، و نظارت و دخالت دولت در آن برای حفظ منابع ملی کشور (تا جایی که حتی این سیاست در مورد "نوع رقم" جهت کشت هم اعمال گردد) بی شک اجرای این سیاست ها ضمن حفظ منابع ملی سبب عدم تغییرات محسوس در کشت برنج و یا سایر محصولات، بخصوص در سالهایی که با بحران های جدی مانند خشکسالی یا افزایش قیمت ها.. مواجه هستیم، گردیده و دولت را در امر برنامه ریزی یاری می دهد.

۴- اقتصادی تر کردن تولید برنج و افزایش بهره وری از نیروی کار و زمین هرگونه برنامه ای که سبب کاهش هزینه گردد، مانند تسهیل در امر تجهیز و نوسازی، مکانیزاسیون، و کاهش هزینه های سیستم انتقال آب، حتی تقلیل هزینه در امر انتقال این محصول و تسهیل در جهت عرضه به بازار تا مصرف کننده گردد سبب اقتصادی تر شدن آن گردیده

زارع را در جهت افزایش تولید و بکارگیری مدیریت های درست ترغیب خواهد کرد. به علاوه ضرورت حمایت از کشت دوم و اصلاح و سر و سامان دادن بازارهای فروش می توانند ضمن افزایش درآمد زارعین آنها را به برنامه های درست دلگرم نموده و از مهاجرت جوانان به شهرها بکاهد. بعلاوه اگر امروز به ضرورت حمایت از کشت دوم و افزایش بهره وری زمین پی نبریم دو فردای دیگر به آن خواهیم رسید که بی شک دیر است!

۵- نکته ای که هرگز نباید مورد فراموشی قرار گیرد مصرف کننده است از آنجائیکه هزینه تولید برنج در کشور نسبتاً بالا است و ممکن است اقشار کم درآمد جامعه قادر به مصرف برنج داخل نباشند در چنین صورت پیشنهاد می شود دولت بمنظور حمایت از این اقشار به جای تخصیص یارانه به واردات به مصرف کننده یارانه داده و برنجهای داخلی خریداری نماید و با قیمت کمتری در اختیار مصرف کنندگان کم درآمد قرار دهد تا ضمن حمایت از تولیدات داخل، مصرف کنندگان نیز مورد حمایت قرار گیرند. (به عبارت دیگر مسیر حمایتی دولت به مصرف کنندگان از طریق تخصیص یارانه با خرید برنج های داخلی باشد نه از طریق تخصیص یارانه به برنج های وارداتی).

"و اما پیشنهادی نو" حمایت از زارعین فقط دادن نهاده ها نیست!

۶- تأسیس سازمان بازنشستگی زارعین یا صندوق ذخیره کشاورزان

در جهت حمایت از زارعین (در این مقوله شالیکاران)، صندوق در چارچوب تشکیلات وزارت جهاد کشاورزی و تحت نظر واحدهای پشتیبانی و عالی ترین مقام این وزارتخانه اداره گردد.

ضرورت تأسیس سازمان بازنشستگی زارعین یا صندوق ذخیره کشاورزان:

برکسی پوشیده نیست که در قوانین اساسی ملتها، حق تساوی و رعایت عدالت و انصاف در مورد فرد فرد افراد جامعه از اصول انکارناپذیر است. و اهمیت رعایت این موضوع برای افرادی که در سنگرهای تولیدی و کشتزارهای سوزان با کارهای جان فرسا دست و پنجه نرم می کنند دو چندان بلکه صد چندان است!

چرا مهاجرت جوانان به شهر افزایش یافت؟ چرا سنگر تولید را، افرادی مسن بر دوش می کشند؟ در حالی که ۶۰ درصد جمعیت کشور را افرادی زیر ۲۵ سال تشکیل می دهد!

چرا جوانان روستاها بجای شغل های حلالی چون کشت و کار در مزرعه، که اول شغل انبیاء بود! شغل های کاذبی چون فروش سیگار و رانندگی ...، را ترجیح می دهند؟ و چراهای دیگر؟ مگر غیر از این است که "پدر پیری را می بیند که پس از ۷۰-۶۰ سال کار در سرما و گرما در آب و گل غوطه ور و جز ورم مفاصل و انواع دردهای دیگر، چیزی در کف ندارد؟ و با آن آلونکی که با پوشال برنج سایبانی شد، شب را به پایان می برد؟ و اسف بارتر آنکه چشم امیدش به فرزندی باشد که از طریق فروش سیگار و... نان آورخانه شد!!

آری، اگر تدابیری اندیشیده شود که این صندوق با حمایت دولت تأسیس گردد و هم جانب زارع و دولت در آن لحاظ شده باشد می تواند زارعین را به کشت و کار در سنگر تولید دلگرم کند و اعتمادش را به برنامه های دولت افزایش دهد.

و اما چند مزایای دیگر:

- افزایش انگیزه جوانان به کار و تولید در کشت زارها و جوان ننگه داشتن این سنگر که خود سبب پویاتر شدن امر تولید، تسریع در انتقال و پذیرش تکنولوژی با توجه به فرهنگ جوان گرایی در تولید می گردد.
- کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها
- استفاده از مزایای این صندوق در طول کار برای سرو سامان دادن زندگی اعضای خانواده مانند، مسکن و غیره.
- افزایش موفقیت دولت در اجرای برنامه های حمایتی بدلیل امیدواری زارعین به برخورداری از مزایای این صندوق در سنین بالا که قادر به انجام کار نیستند.
- نزدیک ساختن و یا انطباق بیشتر برنامه های تولیدی زارعین (انطباق بیشتر برنامه های دولت با آن واقعیت هایی که در سطح زارعین رخ می دهد)

بی شک تأسیس چنین سازمانی مستلزم تدوین برنامه های متقن ، حساب شده و با اهداف دائمی خواهد بود که ضرورت دارد مطالعات زیادی در این زمینه صورت گیرد.

به امید آن روز
آخرین خواسته برنج
((ای برار))

ای برار جان من و جان شما کار ها کنین شکل مره شما جمع بهوین خار ها کنین
من شسه مشکله شماره بوتمه از ته دل شرط انصاف اینه از ته دل خار ها کنین

و اما حسن ختام

شرح دل است، که شراره آن از زبان برنج است و هم او همان است که همواره در رنج است اگر
و درست شناخته شود سراسر گنج است. او با گندم سخن می گوید در حالیکه در تلاطم روزگار
به هم می رسند و چاره کار به هم می گویند.

آنان همان کشاورزان برنجکار و گندم کارند که در سختی شرایط و مصائب عظمای این
مرز و بوم یارو یاورند.

آری ، سخن می گویند و بر این کشور ولایت مدار امید می دهند هر چند خود در رنجند.
اما هرگز امید از کف نمی دهند.

اندر احوالات برنج و گندم

گندم می دید، برنجی را براه	گفت : محزونی زچه ؟ گم کرده راه
پیش از این جانت خوش و سر حال بود	قصه شیرین و فرهادی تو را آمال بود
حالیا غم را به جان آکنده ای	از چه رو وامانده و درمانده ای
داد پاسخ آن نکو خوی و خصال	از چه می پرسی زمن این شرح حال
سالیانی دشت و صحرا بوده ام	در دلم آرام و دور از خشم دریا بوده ام
از قضا دستان مکر دشمنان	هم قرار دل گرفت و خواب خوش را دیدگان

ما ز دوستان چشم یاری داشتیم
چند گویم من تو را این شرح حال
آمده کشتی به کشتی تن به تن
از برم جمعی به خون غلتیده اند
گفته اند از بهر تو کاری کنیم
چاره تو در ید "تعاون" بود
از سر شور و شعف صف ها پدید
از میان صف چه ها گویم تو را
شب بختی ، روز فروختی جایگا
در چنین حالی بشد "یدها" پدید
وا عجب! درمان تو مشکل بود
حالیا گو چند خواهی از زمین
گر گلت "تجهیز" می گشت پیشتر
"کشت دوم" هم مهیا می کنیم
کارشناس از کشور چین آوردیم
"بهره ات" را از زمین افزون کنیم
سالها چشمم بدین وعد وعید
روز و شب بودم بدین شیب و فراز
گفت پیری ای عزیز من نگا
گر میسر هم شود صنعت به پا
از چین و ماچین همی آورده اند
در دل شب گفته ام "جانہ خدا"
من د ز آینده چه ها بینم حبیب
گفت گندم بس ، چه می گویی "برار
گر مرا بودی چنین جانم برفت
طاقت تو بس بود بیشتر زمن

خود غلط بود آنچه می پنداشتیم
گر تو را بودی چنین ، رفتی ز حال
هم پیایی یک به یک دادند کوپن
جمع دیگر شیفته بن و کوپن دیگری
از برای مشکلت چاری کنیم
درد بی درمان تو "درمون" بود
صف بدیدیم و چنین صف کس ندید
دعوی آن جایگا گویم تو را
وامصیب رین عمل ، زین کارها!
درد من درمان نگشته شد "شدید"
بی شک این درد تو اندر گل بود!
انتظاری بیش داری تو ز این!
سسودها بردی ز کشت بیشتر
دشت تو رنگین ز کلزا می کنیم
و آن دگر کس را ز ما چین آوردیم
درد بی درمان تو "درمون" کنیم
در دلم از بهر این صدها امید
در شبی دیدم "و را" خوابی دراز
چند داری تو ز کشت بر سیکا
ترک باید کرد زمین را خرده پا
از برای من غمی آورده اند
مه مصیبت کم بیه در روستا
خود رسان امشب برای من طیب
طاقتم طاق و زحالت دم میار
یا ز دل هم دین و ایمانم برفت
"بی بی شک ارزش کمتر زمن"

حال عزیزا تو شنیدی حال من؟
گر مرا طعنه همی زد دیگران
تو که حالت به زمن نبود "برار"
رفع این توطئه کار من و توس
کشور من کشور اهل ولاست
نیک فرمود شما پیر و جانان باشید
ناامیدی ره ندارد در دل و پندار من
بازوان پر توانم حربه پیکار من
کس نیم آن ذات بی همتای ما
یا اأنتم ترر عونہ ، ام نحن الزارعون؟
شرح حال من تو را کار آیدت
این سخن را من نه از خود یافتم
گفته ام از سوز دل این جمله ها
پند "عارف" چون زد آید به دل

بی سر و سامانی امسال من؟
پاسخش فی الحال دادم به ز آن
به ، بهم چاره کنیم در این کار
هوش ، دشمن به شکار من و توس
رهبرم روح خدا و آن علی مرتضاست
دائماً اهل ولا و اهل قرآن باشید
هر چند افتاد خلل ، امسال در بازار من
فکر دین و سرزمین همواره در افکار من
آیه فرمود در کتاب محکم و اعلی ما
انا لله و انالیه راجعون؟
درد امروز گرفتار آیدت
شرح دردی است، که با دل یافتم
سوز دل با من چه ها کردای خدا
شرم کن زین پس ، مرا منماخجل

و اما چند حدیث.

در بخشی از فرمان حضرت امیر (علی) به مالک اشتر آمده است (۵):

منزلت افراد در نزد زمامدار اسلامی

مالک، مقدم ترین مردم در نزد زمامداران اسلامی باید کسانی باشند که حق را حتی در تلخ ترین حالات، گویاتراز دیگران گوشزد می کنند.

واما در مورد مالیات و آبادی زمین ها مالک، امر مالیات را به گونه ای تحت نظر بگیر که حال پرداخت کنندگان آنرا اصلاح نماید. مالک نظر در آباد کردن زمین بیشتر و رساتراز توجه

به گرفتن مالیات باشد زیرا مالیات بدون آبادی قابل دریافت نیست. اگر پرداخت کنندگان

مالیات از سنگینی آن و یا آفتی شکایت داشتند و یا اگر از قطع شدن آب یا کمی باران یا عروض دگرگونی بر زمین زراعت به سبب غرقاب شدن در سیل یا از اخلالی که به بی آبی به آن

زمین وارد آورده باشد، در این مقطع باید به قدری از مالیات تخفیف بدهی که امید اصلاح شدن امر آنان را داشته باشی.

وامادر مورد قیمتها:

در حکومت اسلامی قیمت باید طوری در جریان باشد که به هیچ یک از طرفین معامله تعدی نشود.

حضرت می فرمایند ارشاد اقتصادی حکومت باید زمینه مبادلات را طوری فراهم سازد که قیمت ها از اعتدال خارج نشود.

در این فرمان حضرت نمی فرمایند که قیمت گذاری در هر حال به عهده حکومت است بلکه می فرمایند قیمت ها به طوری باشد که ضرری به هیچ یک از طرفین وارد نسازد ملاک این حکم عدم ورود ضرر و زیان طرفین است.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست.

عرفانی - زمستان ۱۳۷۹

منابع مورد استفاده:

۱- اداره کل آمار و اطلاعات. ۱۳۷۷. غلات در آئینه آمار ۶۷/۷۶ از انتشارات وزارت کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و بودجه، اداره کل آمار و آمار و اطلاعات.

۲- اداره آمار و خدمات کامپیوتری، سازمان کشاورزی مازندران. عملکرد سازمان کشاورزی استان مازندران در سال ۱۳۷۸.

۳- آخرین پیام، وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی (ره) انتشارات نگار ۱۳۶۹

۴- پیام یونسکو دی ۱۳۶۳- سال شانزدهم شماره ۱۷۶

۵- جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۳، حکمت اصول سیاسی اسلام، ترجمه و تفسیر فرمان مبارک علی (ع) به مالک اشتر انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- ۶- شادمنش، عبدالحمید، ۱۳۷۸، برنج و یک پیشنهاد جدید
- ۷- طرح تأمین و توزیع برنج طی سال ۷۸، اداره کل تأمین و توزیع کالای وزارت بازرگانی
- ۸- عبادی، فرزانه، ۱۳۷۸- برنج و امنیت غذایی
- ۹- علی نیا، فرامرزی، ۱۳۷۹- فرصتها و چالشهای تحقیقاتی برنج و حفظ امنیت غذایی
فرا تر از سال ۲۰۰۰
- ۱۰- عطارد نیشابوری، فریدالدین، منطق الطیر به اهتمام دکتر احمد رنجبر چاپ سوم.
۱۳۷۰- انتشارات اساطیر
- ۱۱- علیزاده، شایق، ۱۳۷۸، نگاهی به وضعیت برنج کشور در سالهای ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ از دیدگاه
سازمانهای کشاورزی. گزارش دبیر ستاد برنج کشور به هفتمین گردهمایی برنج کشور ۱۵-
آذر ۷۸- کرج
- ۱۲- قلی پور سلیمانی، علی، ۱۳۷۶- بررسی مسائل صادرات برنج از گذشته تا حال
- ۱۳- گزارش تحلیلی تأمین، توزیع و وضعیت برنج،
سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات اسفند ۱۳۷۴
- ۱۴- گزارش نهایی برنج و فعالیتهای انجام شده در استان مازندران در سال ۱۳۷۹- سازمان
کشاورزی مازندران (دی ماه ۱۳۷۹)
- ۱۵- مرزوقی، حسن، ۱۳۷۸. امنیت غذایی در کشورهای اسلامی. پژوهشنامه بازرگانی
فصلنامه شماره ۱۰- بهار ۱۳۷۸. موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- ۱۶- مجاور حسینی، فرشید، ۱۳۷۸. بررسی وضعیت تقاضای برنج در ایران
- ۱۷- ماهنامه مروج شماره های ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ سال ۱۳۷۹.
- ۱۸- نجفی، بهاءالدین، ۱۳۷۸- اثر سیاستهای حمایتی دولت بر رشد تولید برنج
- ۱۹- نوروزی، فرخ آرا و همکاران - ۱۳۷۸- نقش برنج و امنیت غذایی
- ۲۰- وزارت کشاورزی - رئوس سیاستها و خطوط کلی برنامه های وزارت کشاورزی
در چهار سال آینده (مربوط به برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی)

۲۱- واحدی، عادل، ۱۳۷۹. اصلاح نظامهای بهره برداری در کشاورزی - واحد انتشارات

فنی مدیریت آموزش و ترویج کشاورزی مازندران

22-Ampong – Nyarko.k. and S.K. de Datta.(1991). A handbook for weed control in rice.(International Rice Research Institute.)(IRRI).

23-Evenson. R.E, RW. Herdtand and M. Hossain. (1996). Rice Research in Asia: Progress and priorities.(IRRI).

24-Naylor. R.(1998). Herbicides in Asian: transtion in weed management. (International Rice Research Institute.)(IRRI).

25-Vergara. B.S.(1992) A farmer's primer on growing rice. Revised edition(IRRI).

ضمائم:

”حکایت برنج و مأمویت عارف“

وز همه یاران شکایت ها کنم	از دل رنجم حکایت ها کنم
من شکایت نزد داور می برم	این حکایت، نزد یاور می باورم
وین سخن را در میان کم دیده ام	خویشتم را در ل غم دیده ام
جمله یک یک از دل ریش گفته ام	زین سبب در خلوت خویش گفته ام
جرعه ای از شو کرانم نوش کن	حالیا درد دلم را گوش کن
شو کرانم بر لب آید لذید	گر تو را باشد چنین حالی عزیز
شرح این دفتر غم روستا بود	دفتر من دفتر دلها بود
زین سبب آورده او را از در بنان	شارح آن هم برنج بی زبان
از طرف مامور باش و کن بیان	گفت عارف گر تو را باشد توان

فرازهایی از داستان پرندگان در ملحق شدن به سیمرغ

سرنگون گشتند در خون جگر	زین سخن مرغان وادی سربه سر
نیست بر بازوی مثنی ناتوان	چون که دانستند کین مشکل کمان
هم بر آن منزل بسی مردند زار	زین سخن شد جان ایشان بی قرار
سرنهادند از سر حیرت به راه	آن دگر مرغان همه آن جایگاه

سالها رفتند در شیب و فراز
آنچه ایشان را در این ره رخ نمود
و رتو هم روزی فرو آیی به راه
آخر الامراز میان آن سپاه
زان همه مرغ اند کی آنجا رسید
باز بعضی ز آرزوی دانه ای
عالمی پر مرغ می بردند به راه

صرف شد در راهشان عمری دراز
کی تواند شرح آن پاسخ نمود.
عقبه آن ره کنی یک یک نگاه
کم کسی ره می برد تا پیشگاه
از هزاران کس، یکی آنجا رسید
خویش را کشتند چون دیوانه ای
بیش نرسیدند سی آن جایگاه